

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله عز وجل:

{إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا}

خدا فقط می خواهد پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و کاملاً شما را پاک سازد

(سورة الأحزاب: الآية 33)

تعداد بسیار زیادی از احادیث شریف نبوی در منابع شیعه و سنی بر این امر دلالت دارند که این آیه مبارکه در خصوص پنج تن آل عبا بوده، و واژه «اهل بیت» ویژه ایشان است و اینان: محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین[^] می باشند. به عنوان مثال رجوع کنید به:

مسند احمد (241 هـ): 1: 331، 4: 107، 6: 292 و 304؛ صحیح مسلم (261 هـ): 7: 130؛ سنن ترمذی (279 هـ): 5: 361 و...؛ السنن الكبرى نسائی (303 هـ): 5: 108 و 113؛ الذرية الطاهرة النبوية دولابی (310 هـ): 108؛ المستدرک علی الصحیحین حاکم نيسابوری (405 هـ): 2: 416، 3: 133 و 146 و 147؛ البرهان زرکشی (794 هـ): 197؛ فتح الباری شرح صحیح البخاری ابن حجر عسقلانی (852 هـ): 7: 104؛ اصول الکافی کلینی (328 هـ): 1: 287؛ الامامة والتبصرة ابن بابويه (329 هـ): 47، ح 29؛ دعائم الاسلام مغربی (363 هـ): 35 و 37؛ الخصال صدوق (381 هـ): 403 و 550؛ الامالی طوسی (460 هـ): ح 438 و 482 و 783. و نیز به تفسیر آیه در منابع زیر ر.ک: جامع البيان طبری (310 هـ): أحكام القرآن جصاص (370 هـ): أسباب النزول واحدی (468 هـ): زاد المسیر ابن جوزی (597 هـ): الجامع لأحكام القرآن قرطبی (671 هـ): تفسیر ابن کثیر (774 هـ): تفسیر ثعالبی (825 هـ): الدر المنثور سیوطی (911 هـ): فتح القدير شوکانی (1250 هـ): تفسیر عیاشی (320 هـ): تفسیر قمی (329 هـ): تفسیر فرات کوفی (352 هـ) ذیل آیهی اولوا الامر: مجمع البيان طبرسی (560 هـ) و بسیاری از منابع دیگر.

نقش اهل بیت ^

در بنیان گذاری جماعت صالحان (4)

(ساختار امنیتی جامعه صالح)

قال رسول الله ' :

إني تاركٌ فيكم الثقلين: كتاب الله وعترتي أهل بيتي ما إن تمسكتم
بهما لن تضلوا أبداً، وإتھما لن يفترقا حتى يردا عليَّ الحوض.

پیامبر اکرم ' می فرمایند:

من دو [چیز] گرانسنگ در میان شما بر جای می گذارم، کتاب
خدا و خاندانم، اهل بیتم، تا زمانی که به این دو تمسک جوئید،
هرگز گمراه نخواهید شد و به درستی که این دو هیچگاه از هم
جدا نمی شوند تا در کنار حوض [کوثر] بر من وارد شوند.

صحیح مسلم / 7 / 122 * سنن الدارمی / 2 / 432 * مسند أحمد /
3 / 14، 17، 26 وج 4 / 371 وج 5 / 182، 189 * مستدرک
الحاکم / 3 / 109، 148، 533 وجز آن.

نقش اهل بیت [^]
در بنیان گذاری جماعت صالحان - 4
(ساختار امنیتی جامعه صالح)

آیه الله سید محمد باقر حکیم

مترجم: کاظم حاتمی طبری

مجمع جهانی اهل بیت [^]

1387



• نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان (4)

(ساختار امنیتی جامعه صالح)

تالیف: آیه الله سید محمد باقر حکیم

ترجمه: کاظم حاتمی طبری

ویراستاری: مصطفی اسکندری

تهیه کننده: معاونت امور فرهنگی، اداره ترجمه

ناشر: مجمع جهانی اهل بیت [^]

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: 1391 ش / 1433 هـ

تعداد: 3000 نسخه

چاپخانه: اعتماد - قم

شابک: 978-964-529-322-0

شابک دوره‌ای: 978-964-529-318-3

www.ahl-ul-bayt.org

info@ahl-ul-bayt.org

حقوق چاپ محفوظ است



بحث در رابطه با نظام امنیتی جماعت صالحان در یک مقدمه و دو بخش بیان خواهد شد.

مقدمه: در بیان اهمیت و ضرورت این نظام در ساختار جماعت صالح.
بخش اول: در بیان خطوط کلی که ائمه [^] برای پیاده کردن این نظام وضع کرده‌اند.

بخش دوم: در بیان سیاست‌های کلی که ائمه [^] برای پشتیبانی از این نظام به کار بسته‌اند.

پیش در آمد

عوامل اهمیت وضروت نظام امنیتی در ساختار جماعت صالحان

عوامل و اسباب متعددی وجود دارد که می‌تواند در دیدگاه و عملکرد ائمه^ع و فرآیند ساخت جماعت صالحان توسط آنان اهمیت خاصی برای نظام امنیتی ایجاد کند. از جمله آن امور است:

[1] شرایط و عوامل سیاسی

اولین عامل، شرایط سیاسی و اجتماعی است که جماعت صالحان در آن به سر می‌برده‌اند؛ آنجا که همواره شرایط سیاسی، اجتماعی دشواری بر اهل بیت^ع و پیروان ایشان حاکم بوده که غالباً آکنده از کشتار، تبعید و تعقیب، قلع و قمع، تفتیش عقاید برای کشف وابستگی‌های سیاسی و اتهامات باطلی چون اتهام کفر، ارتداد، زندقه، بدعت گذاری و برهم زدن وحدت مسلمانان بوده است.

می‌توان اسباب به وجود آمدن چنین شرایط دشوار سیاسی اجتماعی را در نکات ذیل خلاصه کرد:

1. وضعیت عمومی حکومت اسلامی در اغلب دوران‌ها به گونه‌ای

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

بوده است که کشتار و ترورهای سیاسی با منشاء اختلاف عقاید، آرا و شعائر مذهبی امری مسلّم و موجّه شده، تلقی شده، شرایطی برقرار بود که هرگز اجازه ابراز وجود به گرایشات عقیدتی، فکری و مذهبی مختلف داده نمی شد تا چه رسد به گرایشات سیاسی، و به استثنای مدت زمان حکومت پیامبر اکرم ' و حضرت علی × در سایر ادوار حکومت اسلامی حالت یک قطبی حاکم بوده است.⁽¹⁾

2. موقعیت سیاسی عامی که مختص به اهل بیت [^] و پیروانشان بوده و سایه سنگین و طاقت فرسای خود را بر اوضاع عمومی اهل بیت [^] و جماعت صالحان افکنده بود. این موضع را می توان در پذیرش مسئولیت سنگین دفاع از اسلام و امت اسلامی، مقاومت و مبارزه در برابر انحراف در عقاید، حکومت و امت، و تحمّل مسئولیت مبارزه با ستم و جور و سرکشی در حکومت و جامعه اسلامی، همچنین رو به رو شدن با خطراتی که از خارج، امت اسلام را تهدید می کرد، خلاصه کرد.

شاید مهم ترین عاملی که موجب شد تا ائمه [^] و پیروانشان مورد سرکوب واقع شوند، داشتن همین موضع سیاسی بود. رفته رفته شرایط تغییر کرد و عملیات سرکوب و تعقیب، از مسائل سیاسی به مسائل مذهبی و عقیدتی نیز تعمیم یافت و این مبارزه، از این لحاظ که این

1. ما در کتاب خود تحت عنوان: الوحدة الإسلامية من منظور الثقلین / 162 - 186، همچنین در سخنرانی مستقلی در باره این موضوع کاملاً بحث کرده ایم و در باب سوم همین کتاب، فصل خط مشی های سیاسی نیز بدان اشاره کرده ایم.

پیش درآمد (عوامل ضرورت نظام امنیتی)

عقاید دینی و شعائر مذهبی علامت و دلیل اثبات هویت سیاسی و وابستگی به اهل بیت [^] بود، رنگ دینی و مذهبی به خود گرفت.

بنابر این، انگیزه اصلی این قلع و قمع و سرکوب، هویت و ولاء سیاسی بود که اساس شخصیت فعال دینی را تشکیل می‌داد و اختلافات مذهبی طبیعتاً آشکار کننده این هویت سیاسی بود. پس همین اختلافات مذهبی ملاک سرکوب و تعقیب قرار گرفت؛ چرا که در نزد عموم مردم و همه مسلمانان، امور مذهبی با امور سیاسی درآمیخته و هر عملیات سیاسی به ناچار نیازمند توجهی دینی و چارچوبی مذهبی بود؛ بلکه می‌توان گفت قضایای دینی از لحاظ اهمیت تفاوتی با قضایای سیاسی نداشت، چون جامعه با همه اجزایش بر اساس دین و مذهب استوار بود.

به همین جهت اهل بیت [^] و پیروانشان برای انجام شعائر مذهبی و عبادات خود با رنج و محنت طاقت فرسایی رو به رو بودند، نه فقط به خاطر اینکه شعائر و عقاید مذهبی آنان با حکومت و سایر مسلمانان فرق می‌کرد، بلکه چون این شعائر بر هویت سیاسی خاص آنان نیز دلالت می‌کرد؛ هویتی که از سوی حاکمان جور قابل تعقیب بود. البته حاکمان هم می‌بایست در برابر عموم مسلمانان برای این قابل تعقیب دانستن، توجهی تهیه کنند و اگر این توجه رنگ و لعاب شرع و قداست دین نداشت، برای عموم قابل قبول نبوده، در بسیاری وقت‌ها تنها بهانه مخالفت با حکام و مبارزه با ظلم و جور یا اتهام محبت و ولایت اهل بیت [^] برای توجه این امر کافی نبود؛ چرا که اموری از این دست در نزد مسلمانان شناخته شده و مورد قبول بود.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

سرانجام بعضی از آنان روحیه پای بندی و تعهد نسبت به این امور، عمل به آن و تحمل این بار مسئولیت را نداشتند.

بنابر این توجیهاتی که حاکمان برای سرکوب شیعیان مطرح می کردند، همه اتهامات بی اساس دینی و عقیدتی بود.⁽¹⁾

1. در يك بررسی دقیق از این پدیده سیاسی، اجتماعی می توان به وضوح، تفاوت ناملائیاتی که اهل بیت [^] و پیروانشان در رابطه با مسئله اختلافات مذهبی با آن مواجه بوده اند را با سختی ها و ناملائیاتی که گاه سایر فرق اسلامی از فرقه های مخالف خود متحمل آن می شدند دریافت؛ آنجا که این اختلافات هرگز نه از سوی هیچ يك از فرقه های درگیر و نه از سوی حاکمان وابسته به یکی از این مذاهب، به آن درجه از شدت، بی رحمی، اصرار و استمراری که در برابر مذهب اهل بیت [^] اعمال می شد نبوده، و به سرکوب، کشتار و تعقیب منجر نمی گردیده است.

این در حالی است که اگر جنبه سیاسی قضیه را نادیده بگیریم، اختلافات مذهبی در میان آن فرقه ها اگر بیشتر از اختلافات عقیدتی و فقهی موجود در میان پیروان مکتب اهل بیت [^] و دیگر فرق مسلمان نباشد، کمتر نبوده است.

شکی نیست که عامل حقیقی این امر، هویت سیاسی پیروان مذهب اهل بیت [^] و اتخاذ موضع سیاسی ظلم ستیزانه و طرد طغیانگری ها از سوی آنان بوده است. چنین است که فعالیت های مذهبی پیروان اهل بیت [^] به نشانه ای برای وابستگی به این خط سیاسی خاص تبدیل شد و همین گونه است که هر گونه فعالیت مذهبی و تقییدات عقیدتی در سطوح مختلف فرقه های اسلامی که نشانه وابستگی سیاسی نامطلوب از نظر دستگاه حکومتی بود نیز همین عکس العمل بی رحمانه را از سوی حکومت در پی داشت. چنان که در بعضی از ادوار درگیری میان معتزله و اشاعره یا درگیری میان مذاهب مختلف اسلامی شاهد آن بوده ایم و چنان که در عصر حاضر نیز مشاهده می کنیم در کشورهای غربی با حجاب یا سایر تقییدات مذهبی مبارزه می کنند و این تنها به دلیل کشف این تقییدات از تمایلات سیاسی صاحبان این تقییدات است.

3. وجود نهضت‌ها و انقلاب‌های سیاسی و دینی در جامعه اسلامی که تقریباً در طول تاریخ اسلام وجود داشته است؛ آنجا که تأثیرات جانبی این نهضت‌های ناصحیح و ناآرامی‌های زیان بار بر جماعت صالحان و پیروان اهل بیت^ع وارد می‌آمد. و گرچه اهل بیت^ع و جماعت صالحان در پس این نهضت‌ها حضور نداشته و - چنان که در مبحث جهت‌گیری‌های سیاسی نیز دانستیم - گاهی^۱ چنین تحركات و به طور کلی شیوه هرج و مرج و آشوب را طرد و رد می‌کرده‌اند، اما به دلیل اختلاط دیدگاه‌ها، وجود بدگویی‌ها نسبت به اهل بیت^ع، شبهات، اغراض شخصی و یا به سبب اینکه بسیاری از این نهضت‌ها حامل شعارهایی بودند که شبیه شعارهای اهل بیت^ع و پیروان آنها بود، آثار و تبعات منفی این نهضت‌ها دامنگیر ایشان نیز می‌گردید. شباهت این شعارها به اندازه‌ای بود که این نهضت‌ها توانسته بودند بعضی از پیروان اهل بیت^ع را به خود جلب نموده و در سطح دوستان اهل بیت^ع یا کسانی که در دسته بندی کلی سیاسی جزو پیروان اهل بیت^ع به شمار می‌آمدند نیز به فعالیت پردازند.

گاه نیز این حالت سیاسی دارای رنگ مذهبی، چنان در سطح جامعه عمیق و ریشه دار می‌شود که به يك حالت اجتماعی ثابت و غیر سیاسی تبدیل می‌گردد، اما باز هم به مانند حالت مذهبی، ذاتاً در معرض خطر قرار دارد. این امر به دلیل افزایش کینه، تعصب کورکورانه و عقب افتادگی فکری و اجتماعی در امت است، چه اینکه در بعضی از مذاهب اسلامی در بعضی از ادوار تاریخ، و در برابر اهل بیت و پیروانشان به صورت دائم و همیشگی مشاهده می‌گردد، چرا که اهل بیت و شیعیانشان نسبت به پیروان سایر مذاهب از حضور چشمگیر و هویت و موضع ثابتی در تاریخ اسلام برخوردار بودند.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4.

در هر حال وجود شرایط دشوار سیاسی مسئله آشکاری است که اهل بیت [^] و پیروانشان در طول تاریخ خود با آن دست به گریبان بودند، و بر ائمه [^] بود که برنامه‌ها، شیوه‌ها و سامانه‌هایی را وضع نمایند که امنیت جماعت صالحان را حفظ کرده و حتی به کارهایی هرچند به ظاهر سخت⁽¹⁾ دست بزنند که افراد جماعت صالح را از سرکوب و گاه ریشه کنی بازدارد.

[2] اقتضای احکام شرعی

دومین عامل برای اهمیت موضوع امنیت جماعت صالحان، اقتضات و لوازم برخاسته از تقید افراد این جماعت به احکام شرعی و ضرورت وجود نظامی است که این جماعت بتواند در سایه آن به تکامل مطلوب خود دست یافته، توان استیفای نیازهای مختلف خود را به دست آورد؛ نیازهایی چون شناخت احکام شرعی، قضاوت و حل و فصل منازعات موجود در میان افراد جماعت و اعمال ولایت و مدیریت در آن دسته از فعالیت‌های عمومی و خصوصی که متولی خاص ندارند.

همه این امور برخاسته از نوعی شناخت عقیدتی، سیاسی و عملی چند بُعدی است که خلاصه‌اش این است: اهل بیت [^] دقیقاً به این نکته واقف بودند که از یک سو، حکومت‌های موجود در جهان اسلام

1. مانند جریان ترك مخاصمه حضرت امام حسن \times با معاویه، که با هدف حفظ جماعت صالح از ریشه کنی صورت گرفت.

از راه راست منحرف شده و در نتیجه برای حفظ اسلام و برپا کردن ارزش‌های آن امیدی به آنها نیست، از سوی دیگر لازم است تا آن بزرگواران به دور از چشم دستگاه حکومت، به مسئولیت خود در دفاع از کیان سیاسی اسلام و حفظ وحدت امت اسلام وفا کرده و جماعت صالح را نیز به عمل به وظایف خود در این راستا وادارند.

چنین موضع سیاسی و اجتماعی دقیق و پیچیده‌ای طبعاً نیازمند نظام امنیتی خاص به خود است تا در سایه آن، جماعت تکامل یافته، تأثیر گذاری و فعالیت آنها آسان گشته و تحرک و شکل‌گیری ایشان با انعطاف بیشتری به انجام برسد.

[3] جلوگیری از تخریب

سومین عامل اهمیت موضوع امنیت، حفظ جماعت صالح از عملیات تخریب و نفوذ بعضی از عناصر به درون جماعت با هدف زیان‌رسانی و خراب کردن آوازه آن، یا به دست آوردن منافع مادی ناچیز شخصی به قیمت فدا کردن مصالح عمومی گروه بوده است. این افراد از شرایط فشار و تنگنای ائمه^ه در دوره‌های پایانی عصر حضور یا تنگناهایی که رهبران و دانشمندان ربانی امامیه در دیگر دوران‌ها با آن می‌زیسته‌اند، برای به دست آوردن اهداف خود سوء استفاده می‌کردند.

اگر مضامین و اهداف نظام امنیتی جماعت صالحان را با دقت مورد بررسی قرار دهیم، خواهیم یافت که بازدارندگی آن، تنها به حفظ جماعت از سرکوب و کشتار بیرونی یا تسهیل حرکت و فعالیت آن

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

منحصر نبوده است، بلکه دارای ابعاد دیگری نیز بوده است که علاوه بر این امور، شامل جنبه‌های دیگری نیز می‌شده که در بحث از عامل دوم به آنها اشاره کردیم؛ اموری چون ایستادگی در برابر حرکت غالیان و فرصت طلبانی که به دروغ و برای دست یافتن به مصالح شخصی ادعای تشیع داشتند. ما نیز در فصل اول از این جلد با این حقایق، بیشتر آشنا خواهیم شد.

1

خطوط کلی

نظام امنیتی

خطوط کلی نظام امنیتی را می توان در خطوط چهارگانه ذیل خلاصه کرد:

اول: تقیه

دوم: کتمان اسرار

سوم: حضور در دستگاه حکومتی

چهارم: هجرت.

[1] تقیه

تقیّه در دیدگاه اهل بیت [^] از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد و احادیث زیادی با سند صحیح در رابطه با آن از اهل بیت [^] صادر گردیده است. این روایات، دارای مفاهیم متعددی است که ابعاد مختلف این موضوع را در بر می‌گیرد. شاید بتوان گفت تقیه به صورت مطلق، از مهم‌ترین خطوط امنیتی به حساب می‌آید و گاه نیز از تمام خطوط امنیتی که بعد خواهد آمد با عنوان تقیه تعبیر شده است.

(1) ابعاد بحث تقیه

بحث در باره تقیه دارای ابعاد چندی است:

جنبه اول مربوط به جنبه عقیدتی و دلایل صحت تقیه از قرآن کریم و سنت شریف نبوی است.

جنبه دوم مربوط به اهمیت تقیه و جایگاه آن در دین و تقیدات و پیمان‌های الهی است، آنجا که در روایات از اهل بیت [^] وارد شده که: «تقیّه دین من و پدران من است» یا «هرکس به تقیه اعتقاد نداشته باشد، ایمان ندارد» و اینکه «خداوند متعال به عبادتی همچون تقیه عبادت نشده است».

جنبه سوم مربوط به احکام و تکالیف شرعی تقیه است؛ مانند وجوب،

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

استحباب، و حتی حرمت تقیّه و حدود و آثار وضعی یا تکلیفی مترتب بر آن که جنبه فقهی مسئله تقیّه است.

جنبه چهارم مربوط به ابعاد سیاسی، اجتماعی و امنیتی تقیّه است و این جنبه همان است که بررسی آن، در این مبحث مورد نظر ما می باشد.⁽¹⁾

ابتدا باید به این نکته اشاره کنیم که با بررسی موارد به کار رفته تقیّه در روایات خواهیم دید که تقیّه دارای مفهوم گسترده ای است؛ چرا که این مفهوم شامل مواردی چون کتمان اعتقادات، کتمان تقیدات فقهی و مذهبی یا تظاهر به اعتقادات و تقیدات دیگر، پنهان کردن اسرار فعالیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، و نیز استفاده از انواع مختلف تعارفات، ملاطفت در معاشرت، و... است که در کتاب الوحدة الإسلامية من منظور الثقلین به این ابعاد پرداخته ایم.

لکن بحث ما در اینجا بر مورد اول متمرکز می شود که همان کتمان اعتقادات و یا کتمان بعضی از التزامات و تقیدات فقهی و حتی تظاهر به غیر آنها از ترس کشتار و سرکوب و اذیت و رسیدن انواع زیان ها می باشد، آنجا که اهل بیت [^] چون پیروان خود را به سبب تقیدات مذهبی و اعتقادی خاص با کشتار و سرکوب و تعقیب رو به رو می دیدند، شیوه تقیّه را وضع کردند که بر اساس آن، اجازه چنین کاری به آنان داده می شد؛ امری که قرآن کریم

1. البته در باره جنبه اول و دوم نیز به زودی در یکی از مجلدات این مجموعه به بحث مفصل تری خواهیم پرداخت.

نیز این چنین به صحت آن اشاره دارد:

{لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ} (1)

مؤمنان نباید کافران را - به جای مؤمنان - به دوستی بگیرند و هر که چنین کند، در هیچ چیز [او را] از [دوستی] خدا [بهره‌ای] نیست، مگر اینکه از آنان به نوعی تقیّه کند و خداوند، شما را از [عقوبت] خود می‌ترساند، و بازگشت [همه] به سوی خداست.

و این آیه کریمه:

{مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَ لَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ}

هر کس پس از ایمان آوردن خود، به خدا کفر ورزد [عذابی سخت خواهد داشت] مگر آن کس که مجبور شده [الی] قلبش به ایمان اطمینان دارد. لیکن هر که سینه‌اش به کفر گشاده گردد، خشم خدا بر آنان است و برایشان عذابی بزرگ خواهد بود. (2)

اهل بیت [^] پیروان خود را ملزم به تبعیت از این شیوه تقیّه کردند و آن را به عنوان یکی از واجبات مهم شرعی که رابطه تنگاتنگی با ایمان، دین و تقرّب به خداوند متعال دارد به یاران خود معرفی نمودند و تأکید بسیار زیادی بر این امر نمودند. همه این کارها با هدف

1. آل عمران / 28.

2. نحل / 106.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

حمایت از امنیت، ثبات و توان ادای وظایف جماعت صالح بوده است چنان که همین مطالب در روایت ابن ابی یعفور از حضرت امام صادق \times وارد شده است که فرمود:

دین خود را نگاه دارید و آن را با تقیّه کردن زنده بدارید که هر کس به اصل تقیّه عمل نکند، ایمانی برایش نخواهد ماند.

همانا که شما در میان مردم مانند زنبور عسل در میان پرندگان هستید؛ و همان طور که اگر پرندگان می‌دانستند چه چیزی در شکم زنبور عسل است آنها را خورده و نسلش را منقرض می‌کردند، مردم نیز اگر بدانند شما دوستی ما اهل بیت را در سینه دارید و شیعه ما می‌باشید، با نیش زبان خود شما را می‌خوردند و در آشکار و نهان به تضعیف شما می‌پرداختند، خداوند هر کدام از بندگان خود را از میان شما که بر ولایت ما استوار باشد، رحمت کند.⁽¹⁾

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 461 ح 8، به نقل از: کلینی، الکافی. ناگفته نماند که علی رغم اینکه تمام مسلمانان و بلکه تمام عقلاً اجمالاً بر صحت این رفتار اجتماعی و سیاسی اتفاق نظر داشته و ملتزم به عمل به آن هستند و بلکه بعضی از جمعیت‌های اسلامی توجیهاتی نیز برای این رفتار ذکر کرده، روایاتی هم از زبان پیامبر اکرم ؐ در تأیید آن و لزوم سازش با حکام ستمگر و همراهی و تسلیم در برابر آنها جعل کرده و آن را به جای يك راه حل اضطراری و موقت، به يك رویه ثابت تبدیل کردند؛ اما در عین حال، به چند دلیل این شیوه و رویه را به پیروان اهل بیت ^ نسبت داده‌اند: یکی اینکه این پیروان اهل بیت ^ بودند که دائماً در معرض خطر قلع و قمع و سرکوب قرار داشتند، دیگر اینکه اهل بیت ^ بیان می‌داشتند: سکوت برای ضرورت است و بر مبنای دین نیست همچنان که تقیّه را به عنوان شیوه‌ای با ویژگی‌ها و افق‌های محدود مطرح کردند که بعدها اجمالاً آن را خواهیم شناخت.

(2) چرا تقیه؟

گزینه های پیش روی ائمه در تعامل با حکومت ها دلیل اتخاذ این برنامه از سوی ائمه [^] این بود که آن بزرگواران در مواجهه با موج کشتار و ترور و حتی گاه نسل کشی شیعیان خود، چند راه حل اصلی در پیش رو داشتند:

1. کناره گیری و عزلت گزیدن از جامعه

اولین انتخاب این بود که از پیروان خود بخواهند از جامعه مسلمان کناره گیری کرده، در لاک خود فرو رفته و خود و خاندانشان را برداشته و به مناطق دور دست مانند کوهها، غارها و جنگلها ببرند که دست حکومت به آنها نرسد تا بدین ترتیب بتوانند آزادانه و به صورت کامل به انجام شعائر مذهبی خود بپردازند که مطلوب واقعی آنان بوده است و نیز بتوانند آزادانه اعتقادات خود را که در جزئیات و ویژگیها با اعتقادات دیگران اختلاف داشت، آشکار کنند.⁽¹⁾

1. البته هرگز در مسائل اساسی اعتقادی، اختلافی میان پیروان اهل بیت [^] و عامه مسلمان نبوده است و اختلاف میان آنان تنها در جزئیات بوده و در مسئله امامت مسلمانان و جانشینی پیامبر ' این اختلاف وجود داشته که آیا این امامت و جانشینی به نص و تصریح از معصوم است - که پیروان اهل بیت [^] بدان معتقد هستند - و پیامبر اکرم ' صراحتاً بر امامت و جانشینی حضرت علی و یازده فرزندش [^] تأکید کرده است؟ یا اینکه پیامبر ' این امر را وانهاده تا مسلمانان، هر کس را که خواستند به امامت و پیشوایی خود انتخاب نمایند و از جانب شریعت، هیچ برنامه ای در این رابطه نیامده؟ و یا اینکه شریعت تعیین امام و پیشوا را بر عهده شورایی نهاده است که

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

چون وقتی آنان به تنهایی و به دور از دید مردم و سلطه حکومت زندگی می کردند، طبیعتاً می توانستند به این امر دست یابند، چه اینکه در رهبانیت مسیحی این امر اتفاق افتاده و وقوع آن نقل شده است.

یکی از مفسران در تفسیر کلام خداوند متعال که فرماید:

{ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَ
جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا
عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا
مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ}

آنگاه به دنبال آنان پیامبران خود را، پی در پی، آوردیم، و عیسی پسر مریم را در پی [آنان] آوردیم و به او انجیل عطا کردیم، و در دل های کسانی که از او پیروی کردند رأفت و رحمت نهادیم و [اما] ترک دنیایی که از پیش خود درآوردند ما آن را بر ایشان مقرر نکردیم مگر برای آنکه کسب خشنودی خدا کنند، با این حال آن را چنان که حق رعایت آن بود منظور نداشتند. پس پاداش کسانی از ایشان را که ایمان آورده بودند بدانها دادیم و[الی] بسیاری از آنان دستخوش انحرافند.⁽¹⁾

از ابن مسعود روایت کرده است که گفت:

مسلمانان در طول تاریخ اسلام جز در تعیین ابوبکر برای خلافت به يك صورت و در تعیین عثمان برای خلافت به شکلی دیگر و در تعیین علي × به شکل سوم، دیگر به آن عمل نکرده اند؟

من در تَرَك پیامبر اکرم ' بر درازگوشی سوار بودم که آن حضرت به من فرمودند:

ای پسر اُمّ عَید، آیا می‌دانی بنی اسرائیل رهبانیت را از کجا آغاز کردند؟
عرض کردم خدا و رسول خدا داناتر هستند، فرمود:

پس از عیسی × پادشاهانی ستمکار بر آنها مسلط شدند که معصیت خدا می‌کردند، اهل ایمان از این امر در خشم شدند و با آنان به جنگ پرداختند و سه بار شکست خوردند، و پس از آن جز اندکی از آنان باقی نماند، گفتند: اگر خود را به اینها بنمایانیم ما را خواهند کشت و دیگر کسی نخواهد ماند تا مردم را به دین خدا فرا خواند، بیایید تا در زمین پراکنده شویم تا روزی که خداوند پیامبری را که عیسی × وعده‌اش را داده مبعوث کند و مراد آنها محمد ' بود.

آنان در کوهها پراکنده شدند و در دل غارها و کوهها سکنا گزیده و رهبانیت را آغاز نمودند، آنگاه از میان آنان گروهی دین خود را نگاه داشتند و گروهی کفر ورزیدند.

سپس پیامبر اکرم ' این آیه را تا پایان تلاوت فرمودند:

{وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ...} (1)

1. طبرسی، مجمع البیان 9 / 243* الدر المنثور 6 / 177 آنجا که این روایت را با اندک اختلافی در مضمون، به تفصیل از ابن مسعود نقل می‌کند و روایات دیگری نیز در تأیید این معنا آورده است.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

اهل بیت [^] و پیروانشان به دلایل چندی این راه را انتخاب نکرده‌اند: یکی اینکه التزام به این گزینه و عمل بر اساس آن، کاری نبوده که همیشه قابل اجرا باشد، بلکه برعکس در بسیاری اوقات کار بسیار سختی هم بوده است و از این رو این راه بر آنان بسته و انجام همیشگی آن ممکن نبود.

دیگر اینکه انتخاب این گزینه ممکن بود شیعیان را در طول زمان، و با دور شدن از منابع و مصادر هدایت و معرفت، به انحراف و گمراهی کشانده، راه اجتهاد به رأی و بدعت گذاری در دین را چنان که در مسیحیت روی داد، بر آنان بگشاید.⁽¹⁾

1. از ابن عباس روایت است که گفت: «پس از حضرت عیسی × پادشاهانی پیدا شدند که تورات و انجیل را تحریف نمودند. در میان آن قوم مؤمنانی هم بودند که با تورات و انجیل آشنایی داشته و آنها را می خواندند. افرادی به پادشاه گفتند: چیزی بر ما دشوارتر از این نمی آید که این مؤمنان ما را دشنام داده و این آیات را در باره ما قرائت می کنند که: {وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْهُمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ} و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری نکرده اند، آنان خود کافرانند.

آنان با خواندن این آیات بر ما خرده می گیرند، از آنان بخواه که مانند ما قرائت کنند و به آنچه ما بدان ایمان آورده ایم، ایمان آورند. پادشاه آنان را طلب کرد و همه را جمع نموده، به آنان گفت: یا دست از قرائت خود برداشته، و تورات و انجیل تحریف شده را خواهید خواند، یا جان خود را بر سر این کار خواهید گذاشت. آنان به پادشاه گفتند: آنچه شما می خواهید خواهد شد، پس ما را واگذارید.

خطوط کلی نظام امنیتی

دسته ای از آنان گفتند: برای ما صومعه ای مرتفع بسازید و ما را بر بالای آن مسکن دهید و آب و غذای ما را به وسیله ای به ما برسانید و ما دیگر به سوی شما باز نخواهیم گشت.

دسته دیگری گفتند: ما را وانهد تا در زمین خدا پراکنده شویم و چون حیوانات وحشی سر به کوه و بیابان بگذاریم و هرگاه ما را در مملکت خود پیدا کردید به قتل برسانید. دسته دیگر گفتند: برای ما در دل صحرا خانه هایی بسازید، ما خود چاه حفر می کنیم و به کشاورزی خواهیم پرداخت و هرگز به سوی شما باز نخواهیم گشت و از کنار شما عبور هم نخواهیم کرد.

هر کدام از این دسته ها نیز در میان متن جامعه پیروانی داشتند و آنها هم از کار پیشوایان خود تقلید کردند و خداوند متعال این آیه را نازل فرمود که: {وَرَهْبَائِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ} و [اما] ترك دنيايي كه از پيش خود درآوردند ما آن را بر ايشان مقرر نكرديم.

در تفسیر این آیه گفته شده: بعضی گفتند: ما همچون فلانی تعبد اختیار می کنیم و بعضی دیگر گفتند: ما چون فلانی به سر به کوه و بیابان می گذاریم و یا چون فلان شخص در صحرا خانه می گزینیم، در حالی که این پیروان مشرک بودند و از ایمان پیشوایان خود شناخت، کافی نداشتند.

هنگامی که پیامبر اسلام ' مبعوث شد از آن مردم جز اندکی باقی نمانده بودند، آنان که به صومعه رفته بودند از صومعه به زیر آمدند، آنان که سر به کوه و بیابان نهاده بودند بازگشته، صحرا نشینان ایشان نیز باز آمدند و همگی به وی ایمان آورده و او را تصدیق کردند و خداوند متعال این آیه را نازل فرمود: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ} ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگروید تا از رحمت خویش شما را دو بهره عطا کند.

در تفسیر این آیه گفته شده: این امر به دلیل ایمان آنان به عیسی ×، تصدیق کردن تورات، ایمان آوردن آنان به محمد ' و تصدیق نمودن وی می باشد که خداوند فرموده است {وَيَجْعَلُ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ} و برای شما نوری قرار دهد که به [برکت] آن راه

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

دیگر اینکه اهل بیت [^] در رابطه با روابط اجتماعی پیروان خود سیاست اختلاط و همزیستی و یکپارچگی با سایر مسلمانان را وضع نموده‌اند، به ویژه در اقشار متوسط جامعه که بخش وسیعی از جامعه را تشکیل داده و به دشمنی و کینه ورزی با اهل بیت [^] متصف نبودند. چون اهل بیت [^] به خوبی درک می‌کردند که پیروانشان - چنان که قبلاً نیز اشاره کردیم - نیازمند رابطه با مردم هستند، و در این صورت انتخاب گزینه عزلت و کناره گیری از مردم و جامعه، نقض کننده این سیاست و ضایع کننده اهداف مورد نظر از آن بود؛ چرا که با این کار، جماعت صالح در تنگنا و حصار قرار می‌گرفت و از تمام فواید و خدمات عام دینی، اجتماعی و فرهنگی که هر مسلمان از طریق جامعه اسلامی از آن بهره مند می‌گردد، محروم می‌گردیدند.

دلیل دیگر این است که جماعت صالحان بار مسئولیت حفظ سلامت نظام اسلامی و امت اسلام را بر دوش داشت و انجام این مسئولیت خطیر توسط جماعت، جز با همزیستی با سایر مسلمانان و حضور در اجتماعات آنان ممکن نبود، تا بتواند بدین ترتیب نقش پیشگامانه و مهم خود را ایفا نموده و از طریق ارائه الگوی مناسب، بیدارگری و

سپرد. که همان قرآن کریم و تبعیت از پیامبر اکرم ' است و فرمود: {لَيْتَآ يَعْلمَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ} تا اهل کتاب بدانند که به هیچ وجه فزون بخشی خدا در [حیطه] قدرت آنان نیست و فضل [و عنایت، تنها] در دست خداست: به هر کس بخواهد آن را عطا می‌کند، و خدا دارای کرم بسیار است. تفسیر طبری 138 / 27.

اتخاذ مواضع جهادی هشیارانه و سخت، در کل اوضاع جامعه اسلامی تأثیرگذار باشند.

به این دلایل بود که اهل بیت [^] عملاً گزینه کناره گیری از اجتماع را انتخاب نکردند.

2. درگیری و مبارزه

دومین گزینه‌ای که در برابر اهل بیت [^] بود این بود که از پیروان خود بخواهند، عقاید خود را آزادانه اظهار و پیاده کرده و در میان جامعه اسلامی شعائر خود را به صورت کامل به انجام برسانند و بر سر همه جزئیات زندگی که مورد اختلاف آنها است و یا بر سر مسائل اساسی چون امامت و شعائر اسلامی، در مواجهه‌ای آشکار و نزاع با عموم مسلمانان داخل گردند.

اگر اهل بیت [^] و پیروان آنها می‌خواستند آشکارا به ابراز عقاید و تقبّل به انجام شعائر خود بپردازند، این نزاع و درگیری امری اجتناب ناپذیر بود؛ چون گفتیم که شرایط سیاسی و روحی به گونه‌ای بود که اختلافات فکری و داشتن دیدگاه‌های مختلف در تفسیر عقاید و آرای فقهی را به محورهای درگیری و برخورد تبدیل می‌کرد و تعصب کور کننده‌ای که تا حد توجیه شکنجه و ستمگری پیش رفته بود، ویژگی کلی حکومت‌ها و گروه‌های مذهبی گردیده بود.⁽¹⁾

1. این پدیده از ویژگی‌های جوامعی است که از لحاظ سیاسی عقب مانده اند و مردم اروپا در قرون وسطی از طریق دادگاه‌های تفتیش عقاید و نزاع میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها آن را

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

طبیعی است که اهل بیت [^] این گزینه را رد کرده و هیچگاه راضی نشوند پیروانشان دست به چنین عملی بزنند؛ چرا که انتخاب این گزینه با سیاست همزیستی مسالمت آمیز با سایر مسلمانان منافات داشته و وحدت و یکپارچگی مسلمانان را در برابر دشمنان از بین برده و آن را از پایه ویران می‌نمود. بلکه مهم‌تر از آن، گزینش این رویه ضررهای بزرگتری را متوجه شیعه و پیروان اهل بیت [^] و یا جماعت مسلمانان و جامعه اسلامی می‌گرداند.

زیانی که از این رهگذر به خود جماعت صالح وارد می‌آمد، این بود که انتخاب این گزینه، موجب ریشه کن شدن این گروه و نابود شدن همه ارکان وجود اجتماعی آن بود و بدین ترتیب، نقش این جماعت در حیات اسلامی به کلی از میان می‌رفت.

بلکه گاه ضرر از این شدیدتر نیز می‌شد، یعنی موجب می‌گردید سایر افراد جماعت صالح نیز در زیر چتر انحرافات عقیدتی و رفتاری در آمده و به گرایشاتی چون باطنی‌گری یا غلو روی آورده، یا از انجام

تجربه کرده‌اند، چه اینکه مردم مشرق زمین نیز در برخی دوران‌ها شاهد چنین وضعیتی بوده‌اند، و اروپاییان هنوز هم گاه این روش ناپسند را به کار می‌بندند، مانند اخراج دختران دانش آموز محجبه از مدارس یا طرد بعضی از پناهندگانی که از کشورهای مختلف به آنان پناه می‌آورند فقط به دلیل انجام شعائر مذهبی که دارای بار سیاسی باشد که انسان اروپایی تاب تحمل آن را ندارد. همچنین بعضی از حکومت‌ها در کشورهای اسلامی نیز گروه‌هایی از مردم را صرفاً به دلیل انجام مراسم مذهبی صرف، یا مراسم مذهبی که به هویت سیاسی خاصی اشاره داشته باشد، مورد آزار و شکنجه قرار می‌دهند حتی اگر خود آن مراسم اصلاً سیاسی نباشد.

خطوط کلی نظام امنیتی

واجبات و شعائر اسلامی شانه خالی کرده و تنها به امور روحی و نفسی بپردازند، که در توضیح گزینه اول به آن اشاره کردیم.

متأسفانه چنین مواردی در میان بعضی از فرقه‌های منحرف شیعی دیده می‌شود که در اثر فقدان سیاست همزیستی با عامه مسلمانان و عزلت‌گزیدن از جامعه، یا روی آوردن به مواجهه و درگیری علنی از ابتدای کار، به راه این انحرافات کشیده شده‌اند.

انتخاب گزینه درگیری و مبارزه آشکار می‌توانست زیان دیگری را نیز متوجه جماعت صالح کند و آن تغییر عقیده و مذهب افراد است چون همه شیعیان، توانایی مقاومت و تحمل کافی در برابر تأثیرات منفی کشتار، سرکوب تعقیب و ترور از یک سو، و شیوه‌های اغفال و گمراه کردن حکومت‌ها نسبت به شیعیان از دیگر سوی را نداشته و از این لحاظ دارای ضعف بودند.

از مضمون روایاتی که در این رابطه از اهل بیت [^] وارد شده است. ⁽¹⁾ اجمالاً آشکار می‌گردد که آن بزرگواران، در آن اوضاع

1. از جمله این روایات همان روایت عبدالله بن ابی یعفر از حضرت امام صادق × است که اندکی پیش آن را در متن آوردیم و چنین است روایاتی که از تقیه به عنوان «جُنَّة المؤمن» و «تُرس المؤمن» به معنی سپر محافظ مؤمن یاد کرده‌اند، مثل روایتی که از حضرت امام باقر × وارد شده که فرمود: «وَأَيُّ شَيْءٍ أَقْرَبُ لِعَيْنِي مِنَ التَّقِيَّةِ إِنَّ التَّقِيَّةَ جُنَّةُ الْمُؤْمِنِ؛ هیچ چیز به مانند تقیه موجب روشنی چشم من نیست» و در روایت صحیح دیگری از حضرت امام صادق × روایت شده است که فرمودند: «التَّقِيَّةُ تَرَسُ الْمُؤْمِنِ، وَ التَّقِيَّةُ حُرْزُ الْمُؤْمِنِ، وَ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ... إِنَّ الْعَبْدَ لَيَقَعُ إِلَيْهِ الْحَدِيثُ مِنْ حَدِيثِنَا فَيَدِينُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيمَا بَيْنَهُ

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

سیاسی اجتماعی، مبارزه علنی را عامل بروز یکی از این خطرات بزرگ به کلیت جماعت صالح می دانستند و از این رهگذر، انتخاب این گزینه را به کلی رد کرده اند.

بعضی از روایاتی که در بیان تاریخ مسیحیت و سرآغاز رهبانیت وارد شده است، نیز به خطراتی که در اثر انتخاب این دو گزینه حاصل می شود، اشاره دارد.⁽¹⁾

و بینة، فیکون له عزاً فی الدنیا و نوراً فی الآخرة، و إنَّ العبد لیقع إلیه الحدیث من حدیثنا فیدیعہ، فیکون له ذلاً فی الدنیا، و ینزع الله ذلک التور منه ؛ تقیه سپر مؤمن است، تقیه بلاگردان مؤمن است و کسی که اهل تقیه نباشد ایمان ندارد... گاه می شود که حدیثی از احادیث ما به دست بنده ای از بندگان خدا می رسد و او میان خود و خدا آن را ملاک دینداری خود قرار می دهد و این امر مایه عزت او در دنیا و نور وی در آخرت می شود و گاه نیز اتفاق می افتد که حدیثی از احادیث ما به دست بنده ای از بندگان خدا می رسد و او آن حدیث را در میان غیر اهلش منتشر می نماید و این امر مایه خواری او در دنیا گشته و خداوند متعال در آخرت، آن نور را از وی سلب می نماید» حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 460 ح 6 (در اصول الکافی نیز این حدیث آمده و در حاشیه آن توضیحی نیز برای آن ذکر شده است).

1. از عبدالله بن مسعود روایت شده است که گفت: پیامبر اکرم ' فرمودند: «اختلف من کان قبلنا علی احدى و سبعین فرقةً، نجا منهم ثلاث، و هلك سائرهم: فرقة من الثلاث وازت الملوك، و قاتلتهم علی دین الله و دین عیسی ابن مریم صلوات الله علیه، فقتلتهم الملوك، و فرقة لم تکن لهم طاقة بموازة الملوك، فأقاموا بین ظهرانى قومهم یدعونهم إلی دین الله و دین عیسی صلوات الله علیه، فقتلهم الملوك و نشرتهم بالمناشیر؛ و فرقة لم تکن لهم طاقة بموازة الملوك و لا بالمقام بین ظهرانى قومهم فلحقوا بالبرارى و الجبال، فترهبوا فیها، فهو قول الله عزّ و جلّ: {وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ

اما زیان‌هایی که از راه پذیرش این گزینه دامنگیر اسلام و کلیت جامعه اسلامی می‌شد، عبارت بود از: ایجاد اضطراب و عدم ثبات در جامعه اسلامی و حصول تجزیه و ضعف در نظام کلی آن، خصوصاً اگر جماعت صالح نیز می‌توانست به مقاومت پرداخته و حالت توازن قدرت خود را با سایر گروه‌های جامعه حفظ کنند که در این صورت بیشترین فایده نصیب دشمنان خارجی اسلام و فرصت طلبان و

رَضَوَانَ اللّٰهَ { ما فعلوها إلا ابتغاء مرضات الله {فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا} ما رعاها الذين من بعدهم حق رعايتها {فَأَتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ} هم الذين امنوا بي و صدقوني. {وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ} فهم الذين جحدوني و كذبوني>

مؤمنانی که قبل از شریعت اسلام می‌زیسته‌اند (مسیحیان) به هفتاد و یک فرقه تقسیم شدند که تنها سه فرقه از آنان نجات پیدا کردند و بقیه هلاک شدند، یکی از این سه فرقه کسانی بودند که در برابر پادشاهان زمان خود ایستادند و بر سر دین خدا و آیین مسیح با آنان به جنگ پرداختند و به دست آن پادشاهان کشته شدند. فرقه دیگری هم بودند که توان مقابله و رویارویی با پادشاهان را نداشتند و در میان قوم خود ماندند. پادشاهان آنان را نیز کشته و با ارّه تکه تکه کردند. گروه دیگر نه یارای مقابله با پادشاهان را داشتند و نه امکان ماندن در میان قوم خود را، این فرقه سر به کوه و بیابان نهاده و به رهبانیت روی آوردند و این سخن خداوند متعال است که فرماید: (و [اما] ترك دنيابي که از پیش خود درآوردند ما آن را بر ایشان مقرر نکردیم مگر برای آنکه کسب خشنودی خدا کنند). البته آنها برای کسب رضایت خداوند دست به این کار زدند. (با این حال آن را چنان که حق رعایت آن بود منظور نداشتند) یعنی آنان که بعد از نسل اول آمدند حق این کار را ادا نکردند. (پس پادشاهان کسانی از ایشان را که ایمان آورده بودند بدانها دادیم). این دسته آنان بودند که به من ایمان آورده و مرا تصدیق نمودند. (و [لی] [بسیاری از آنان دستخوش انحرافند). اینها هم آنانند که مرا انکار و تکذیب کردند. تفسیر طبری 27 / 138 - 139.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

سودجویان داخلی می‌گردید.

و این همان چیزی است که آن را در دوران‌های مختلف حیات امت اسلام ملاحظه می‌کنیم.⁽¹⁾ همین دلیل و به بار آمدن این زیان‌ها بود، که باعث می‌شد تا ائمه [^] به جهت مسئولیتی که در راه حفظ اسلام و امت اسلامی بر دوش خود احساس می‌کردند، مواضعی را اتخاذ کنند، که در بحث‌های گذشته نیز نمونه‌هایی از آنها را دیدیم.

3. مدارا و تقیه

سومین گزینه در این مجال، مدارا، تقیه و پنهان کردن جزئیات عقیدتی است که هویت سیاسی آنان را افشا نماید یا در شرایط آکنده از تعصب و سرکوب، عکس‌العمل‌های خشونت باری را بر علیه آنان برانگیزد. همچنین متناسب کردن نوع انجاء شعائر اسلامی به گونه‌ای است که هم اصل شعائر حفظ شود و هم به صورت عام با باورهای مردم مسلمان منافاتی نداشته باشد، تا بدین وسیله افراد جماعت صالح را از ترور و سرکوب و برانگیخته شدن تفسیرهای ظالمانه یا اشتباه در باره شعائر و رفتارهای آنان در امان نگاه دارند.

انتخاب این گزینه همان چیزی است که نظر اهل بیت [^] را برای مقابله با امثال چنین شرایط سخت و دشواری که بر آن بزرگواران و

1. چنان که در جنگ و درگیری میان حُمدانیان و آل بویه در شام، فاطمیان و ایوبیان در مصر، امویان و علویان در مغرب و درگیری میان بعضی فرقه‌های شیعه اسماعیلیه و عباسیان در ایران همین مسئله اتفاق افتاد.

پیروانشان می‌گذشت، به خود جلب کرده است.

روشن است که انتخاب این روش، یعنی تقیّه و مدارا از سوی اهل بیت [^] به جهت واکنشی روانی همچون ترس، بیمناکی و احساس شکست سیاسی یا روحی نبوده است، همان گونه که حضرت امام هادی \times در زیارت غدیر اتخاذ موضع سکوت توسط حضرت علی \times و صرف نظر آن حضرت از حق خود را تفسیر کرده است، وگرنه همه می‌دانند که اهل بیت [^] و پیروان آنان همه اهل فداکاری، قربانی شدن و قربانی دادن، از خود گذشتگی و صبر و مقامت بوده و پیروان خود را نیز با این روحیه و اخلاق تربیت کرده و پرورش داده و آنان را - چنان که دانستیم - از بلاها و مصایبی که بر سرشان خواهد آمد، آگاه می‌کردند.⁽¹⁾

اما انتخاب این گزینه از سوی اهل بیت [^] برخاسته از دیدگاهی واقع‌گرایانه و روشن، از حیات سیاسی، ناآرامی‌های اجتماعی و اسباب آنها و نیز برآورد واقعی از مصالح و مفاسد کلی و اولویت‌های اسلامی تحکیم‌کننده روند اجتماعی و رعایت اصل ترجیح اهمّ بر مهم در

1. از حضرت علی \times روایت است که فرمود: «من أحبنا أهل البيت فليستعدّ للفقير جليبا»؛ هر که ما اهل بیت را دوست می‌دارد، باید که خود را برای فقر و نداری مهیا کند. نهج البلاغه/ حکمت 112، نیز آن حضرت فرموده اند: «لو احبني جبل لتهافت» اگر کوهی نیز محبت مرا در دل بگیرد [از شدت بلاهایی که بر سرش خواهد آمد] فرو خواهد ریخت. نهج البلاغه/ حکمت 111، روایات دیگری نیز که از اهل بیت [^] با این مضمون وارد شده که بلاها و محنت‌ها انسان را به خدا نزدیک تر می‌کند - که قبلاً آن را توضیح داده ایم - تأکید‌کننده همین مطلب است.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

آنهاست. بنابر این، گزینه تقیه، خود یک خط فکری و سیاسی است که اهل بیت [^] آن را برای مصونیت بخشی به جماعت صالح و در راه تحقق اهداف بزرگ اسلامی وضع کرده‌اند.

نکات ذیل نیز بر صحت چنین برداشتی از تقیه دلالت دارد:

1. آنچه قبلاً بدان اشاره کردیم که اهل بیت [^] تقیه را جزئی از دین می‌دانستند: «تقیه دین من و پدران من است» یا تقیه را همسنگ ایمان دانسته‌اند که «هرکس به اصل تقیه اعتقاد ندارد، ایمان ندارد» و یا اینکه «تقیه نور انسان در قیامت است» و مضامین دیگری که این بُعد را به تقیه داده و موجب چنین برداشتی از آن می‌شود.

2. تقیه و برحذر بودن از خطرات و زیان‌ها حالتی طبیعی در روح و روان انسان است که انسان از طریق فطرت خود به سوی آن کشیده می‌شود. علاوه بر این، می‌بینیم که اهل بیت [^] پیروان خود را از سهل انگاری در عمل به این مسئله فطری بر حذر داشته، آنان را بر انجام تقیه تشویق و ترغیب نموده و بالاتر از آن، ترک کنندگان تقیه را به گرفتار شدن در عقاب الهی و مصایب دنیوی و دیگر ناراحتی‌ها بیم می‌داده‌اند و ما این مطلب را به وضوح در روایات باب تقیه می‌بینیم.⁽¹⁾

1. از جمله آنها این روایات از ابوبصیر است که گفت: «از حضرت امام صادق × شنیدم که می‌فرمود: «لاخیر فی من لا تقیه له و لقد قال یوسف: {أَيُّهَا الْعَبْرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ} و ما سرقوا» در کسی که تقیه نمی‌کند خیری نیست، در حالی که حضرت یوسف گفت: ای کاروانیان، قطعاً شما دزد هستید در حالی که آنها دزد نبودند. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 464 ح 17.

ورود این پدیده در روایات اهل بیت [^] را نمی‌توان جز به این معنا تفسیر نمود که چون آنان شیعیان خود را با روحیه ظلم ستیزی و صبر، پایداری، فداکاری و ایثار در راه تحقق حق و حقیقت و تحمل انواع و اقسام شکنجه‌ها و سختی‌ها در راه اصول و عقاید و پایداری بر میثاق‌ها و پیمان‌ها تربیت کرده و پرورش داده بودند، در احاطه بر نتایج عملی این تربیت عقیدتی، اصولی، و روحی و کنترل رفتارهای پیروان خود به گونه‌ای که با فرآیند سازندگی و پذیرش مسئولیت‌های بزرگ در برابر اسلام، کیان سیاسی و امت اسلامی هماهنگ باشد، با مشکلی واقعی رو به رو شده بودند. و بر آنان بود که تربیت عقیدتی، اصولی و سیاسی دیگری هم برای آنان تدارک ببینند که به موازات تربیت فوق‌الذکر بوده و در کنار داشتن روحیه بالا در فداکاری و ایثار و از خود گذشتگی، توازن و تعادل را در رفتار آنان به وجود آورد.

بنابر این تقیه در عین اینکه یک خط امنیتی برای حفظ و حراست جماعت صالح از دشمنی‌های دشمنان به شمار می‌آید، مضمونی تربیتی، اجتماعی و سیاسی نیز بود که توازن روحی افراد تشکل صالحان را در برخورد با رویدادهای مختلف تأمین نموده و فرصت مشارکت در فرآیند سازندگی و تحول اجتماعی را به آنان عطا می‌کرد.

و در مسائل داود آمده: حضرت امام هادی \times به من فرمودند: «یا داود لو قلت لك إن تارك التقية كتارك الصلاة لكنت صادقا» ای داود، اگر بگویی ترك كنده تقیه همچون ترك كنده نماز است راست گفته‌ای. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 466 ح 26. قبلاً هم به بعضی از این احادیث اشاره کرده‌ایم.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

تأیید این نکته هم این است که اهل بیت [^] تقیه را مخصوص موارد خطر و ضرر نکرده‌اند، بلکه تقیه را فراگیرتر و گسترده‌تر از این قرار داده‌اند.⁽¹⁾

(3) حدود تقیه

البته باید دانست که اهل بیت [^] در رابطه با تقیه اجازه و رخصت کامل نداده‌اند، بلکه برای استفاده از آن، حد و سقفی مشخص کرده‌اند، و این حد و مرز این است که عمل به تقیه منجر به زیان رسانی به سایر مؤمنین یا ریخته شدن خون آنان و یا قرار دادن آنان در معرض زیان‌های دیگر نشود.

در حدیثی معتبر از امام محمد باقر \times آمده است که:

انما جعل التقیة لیحقن بها الدم، فإذا بلغ الدم فلیس تقیه.⁽²⁾

تقیه تنها برای حفظ خون مؤمنان وضع گردیده و اگر به حدی رسید که تقیه یک مؤمن به قیمت خون مؤمن دیگر تمام شود دیگر تقیه‌ای نخواهد بود.

همچنین است اگر تقیه در مواردی به کار گرفته شود که انجام آن موجب وهن و سستی در یاری اسلام و مسلمین گردد؛ چرا که یاری اسلام و مسلمین به مقتضای احکام جهاد در راه خدا بر همه مسلمانان واجب و لازم است و در این صورت دیگر تقیه توجیه شرعی نداشته،

1. به زودی در بخش دیگری از این مباحث، در باره تقیه و ابعاد مختلف آن بحث خواهیم کرد و توضیح بیشتری در باره این دیدگاه ارائه خواهیم نمود.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 483 ح 1.

مشروعیت آن از بین می‌رود.

در روایت معتبری از حضرت امام صادق \times آمده است که فرمود:

هیچگاه زمین از وجود عالمی از ما خالی نخواهد ماند، پس اگر تقیه به آنجا رسید که موجب ریخته شدن خونی شد، دیگر تقیه کردن جایز نیست. و به خدا سوگند که اگر شما به یاری ما دعوت شوید خواهید گفت: ما شما را یاری نمی‌کنیم چون در حال تقیه هستیم!! گویا تقیه در نزد شما از پدران و مادرانتان عزیزتر شده است، اما اگر قائم ما قیام کند، دیگر نیازی به یاری خواستن از شما نخواهد داشت، و در میان بسیاری از شما که اهل نفاق و دورویی هستید، حد خداوند را جاری خواهد ساخت. (1)

در حدیث دیگری نیز یکی از امامان معصوم از اهل بیت \wedge اساس کلی معنای تقیه را بیان نموده و محتوای امنیتی و اخلاقی آن را جلوگیری از ضرر تباه کننده دین توضیح داده است:

چون برای تقیه جایگاه‌های خاصی است که هر کس آن را از جایگاه خود بگرداند، تقیه کردن او درست نخواهد بود. تفسیر تقیه چنین است که مثلاً گروهی از افراد بد کردار هستند و آشکار است که حکم و کردار آنان خلاف حکم و کردار حق است، پس هر عملی که مؤمنان در میان این گروه انجام دهند که به فساد دین آنان منجر نشود، مجاز است. (2)

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 483 ح 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 469 ح 6.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

همچنان که پیشتر هم روایاتی داشتیم که دلالت بر این داشت که بر انسان واجب است برای حفظ دین خود متحمل ضرر، سختی و مشقت شده و جان و مال خود را در راه حفظ دین نثار کند.⁽¹⁾

همه این روایات، مؤید این حقیقت هستند که تقیه تنها یک شیوه امنیتی با کاربردی محدود است که در دایره مصالح والای اسلام و با هدف محافظت از جماعت صالحان به کار گرفته می شود و مجوزی برای گریز از واقعیت و فرار از مقابل دشمن نیست.

[2] کتمان اسرار

اهل بیت [^] در کنار محور تقیه، محور دیگری را نیز وضع کردند که آن کتمان و پنهان کردن اسرار و به تعبیری حفاظت اطلاعات یا عدم انتشار (بر زبان جاری کردن) مطالبی بود که جزو اسرار محسوب می گردید، خواه در نزد دشمنان، مانند سرکشان، کینه توزان از نواصب، خواه در نزد فرصت طلبان منافق، سودجویان یا مردمان هوجی گر و هرج و مرج طلب که به دنبال هر صاحب صدایی به راه افتاده و با وزیدن هر بادی تغییر مسیر می دادند.

البته این مسئله تا حد بسیار زیادی با تقیه تداخل پیدا می کند و حتی می بینیم در بعضی از روایات مفهوم تقیه بر کتمان اسرار نیز اطلاق شده و پخش کردن اسرار را نیز مخالفت با تقیه نامیده اند و به همین جهت لازم است تا موضوع این محور امنیتی را با دقت بیشتری مورد

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 451 ح 2 و ص 139 ح 2.

خطوط کلی نظام امنیتی

بررسی قرار دهیم؛ امری که هر جامعه انسانی بخواهد از وجود خود در برابر دشمنان محافظت کرده، استواری و قدرت اجرایی خود را حفظ کند، ناچار باید به آن پای بند گردد.

موضوع این محور امنیتی عبارت است از «سخن گفتن و افشای اطلاعات سرّی» که معمولاً بیشترین خطرات تعقیب و کشتار و سرکوب نیز از همین طریق دامنگیر هر گروهی می‌شود.

کتاب‌هایی که در زمینه علم اخلاق به رشته تحریر در آمده، در رابطه با لغزش‌های زبان و زیان‌های مهمی که ممکن است از این طریق در زندگی اجتماعی انسان و در مسیر ارتباط وی با خداوند متعال و مردم به او رسیده و آنچه از گناهان، جرایم، مصیبت‌ها، زخم زدن‌ها و... از زبان صادر می‌گردد، به بحث پرداخته‌اند، اما همه اینها در مسیر بیان گناهانی است که زبان به عنوان عضوی از اعضای بدن انسان مرتکب آن می‌گردد.

اما این محور امنیتی موضوع زبان را از بُعد دیگری مورد بررسی قرار می‌دهد، که بُعد افشای اسرار و پخش کردن آنها به گونه‌ای است که تشکّل را در معرض خطرات قرار دهد؛ به نحوی که افشای آن اسرار، نوع حرکت، موضع گیری، تعداد نیروی انسانی و نوع وابستگی آنها را برای دشمن کشف نموده و افراد جماعت را در معرض خطرات شدید قرار دهد.

اهل بیت [^] و پیروان آنها در میان جامعه اسلامی گروه ویژه‌ای را تشکیل می‌دادند که خصوصیات و عناصر تشکیل دهنده عقیدتی،

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

فکری، فرهنگی و مواضع سیاسی خاص خود را داشته و افراد آن نیز در جای جای جهان اسلام پراکنده بوده، در میان جوامع مختلف اسلامی زندگی می‌کردند و به صورت کلی تحت سیطره دستگاه حکومتی قرار داشتند.

حاکمان سرکش نیز همواره افراد این جماعت را به سبب وجود ویژگی‌های خاص آن، در شمار نیروهای مخالف به حساب می‌آوردند؛ چه اینکه به واسطه قدرت و نشاط موجود در آنان و اجتماعشان گرداگرد محور رهبری ائمه معصومین [^] که صاحبان واقعی حق خلافت و مورد پذیرش همه مسلمانان بودند، از آنان واهمه داشتند.

تحریک عموم مردم علیه شیعه

به دلیلی که در بالا ذکر کردیم این گروه در طول حیات اسلام همواره از یک جهت در معرض قتل و تعقیب، و از جهت دیگر در معرض زشت نمایی و تخریب آوازه و عقاید و نقش و اهداف قرار داشتند، و این همه برای جدا کردن آنان از بدنه جامعه، محاصره و سپس اعمال فشار بر آنان از طریق تحریک سایر افراد امت علیه آنها بود.

اگر چه آن جنبه از مسئله پیروان اهل بیت [^] که موجب می‌شد تا خشم حاکمان، کینه توزان و ناصیبان برانگیخته شود، جنبه سیاسی موضوع بود که سبب واقعی این عملیات چند جانبه هم به شمار می‌رفت، اما وابستگی مذهبی افراد نیز - چنان که پیشتر دانستیم - به اندازه‌ای که وابستگی سیاسی آنان را آشکار می‌ساخت، از اهمیت

برخوردار بود.

البته شاید این امر در نزد عموم مردم مسلمان نمود دیگری داشته باشد؛ چرا که آنها به جنبه عقیدتی جماعت صالح اهمیت بیشتری می‌دادند. اما این امر به جهت این بود که عامه مردم به سبب داشتن درک ساده از اسلام و عادت داده شدن از سوی حاکمان و دانشمندان سوء به داشتن تعصب و کینه نسبت به شیعه، به جنبه مذهبی بیشتر از جنبه سیاسی اهمیت می‌دادند.

به همین دلیل با خشونت تمام هر عقیده‌ای را که حتی در جزئیات مطابق با عقاید دیکته شده از سوی دستگاه حکومتی نبود طرد می‌کردند؛ چرا که دستگاه‌های حاکمه از طریق نهادهای خود تلاش می‌کردند تا امت را همواره از درک و شناخت حقایق دور نگاه دارند، چه حقایق مربوط به حاکمان ستمگر و فعالیت‌های ظالمانه آنها و چه حقایق مربوط به مواضع سایر جریان‌های سیاسی یا حقایق مربوط به التزامات مذهبی، به علاوه با انواع وسایل و شیوه‌ها مردم را علیه این جریان‌ها تحریک می‌کردند.

آنان به جای اینکه مردم را به تحقیق و شناخت عادت داده، پایه‌های آزادی در مباحثات علمی در دایره کلی اسلام و مسلمات عقیدتی بدیهی آن را در میان مردم عمیق‌تر نمایند، برعکس، آنان را به تعصب بر رأی و مذهب خود و وارد کردن تهمت «کفر»، «زندقه»، «خروج از اسلام» و «شکستن وحدت مسلمانان» به سایر گروه‌های مسلمان عادت داده بودند؛ کسانی که در جزئیات با آنان اختلاف رأی داشته،

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4.

به دنبال حق رفته، در برابر ظالمان ایستاده یا اعمال ستمگرانه و انحصارطلبانه را رد می‌کردند.

حضرت امام صادق \times از این شیوه ستمگران در تربیت امت چنین تعبیر فرموده است:

بنی امیه مردم را در فراگرفتن حقیقت ایمان آزاد گذاشتند، اما به آنان اجازه آموختن و شناخت حقیقت شرک را ندادند، تا اگر خواستند مردم را به کارهای شرک آمیز وادار کنند، متوجه نشوند.⁽¹⁾

از همین رو است که می‌بینیم ائمه [^] در مسئله تأمین امنیت جماعت صالح تنها به تقیه اکتفا نکرده‌اند؛ به این معنا که از پیروان خود بخواهند عقاید خود را آشکار نکرده و شعائر مذهبی خود را عملاً در معرض دید قرار ندهند، که این امر اگر چه در جلوگیری از فشارهای مردمی بر ضد شیعه و سپس به انزوا کشاندن آنها از متن جامعه و در تنگنا نهادن آنان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، مؤثر بود، اما اهل بیت [^] به مسئله دیگری هم اهمیت می‌دادند که بلکه مهم‌تر هم بود و آن این بود که شیعیان در زندگی روزمره خود از سخن گفتن در باره مسائل سیاسی و دینی و بروز دادن عواطف و احساساتی⁽²⁾ که

1. کلینی، الکافی 2 / 415 ح 1.

2. بعضی از دوره‌های تاریخ اسلام به حدی نسبت به پیروان اهل بیت [^] سخت و خشن بود که حتی به نیکی یاد کردن از حضرت علی \times یا حضرت فاطمه \div دارای بار سیاسی شده بود، در روایتی از حضرت امام صادق \times نقل شده است که فرمود: «إياكم و ذکر علی و فاطمة فإن الناس ليس شيء أبغض إليهم من ذکر علی و فاطمة» «از یاد کردن علی

خطوط کلی نظام امنیتی

موجب افشای وابستگی سیاسی یا میزان نفوذ و گستردگی جماعت صالح در سطح جامعه، یا آشکار شدن مواضع سیاسی این جماعت در برابر حکومت یا سایر جریانات سیاسی مخالف می‌گردید، خود داری کنند؛ چون افشای چنین اطلاعاتی به یقین برای جماعت صالح ایجاد خطر کرده و دشمنان را در تعقیب و سرکوب آنان به فعالیت وادار می‌داشت.

مسئله کتمان اسرار و اطلاعات درونی جماعت صالحان از مهم‌ترین موارد امنیتی بود که این گروه در بعضی از دوره‌ها با آن رو به رو بود و نیازمند درجه بالایی از بیداری و کنترل زبان و گفتار بود؛ چون حاکمان

و فاطمه ' خود داری کنید، چرا که در نظر مردم چیزی منفورتر از یاد علی و فاطمه ' نیست. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 486 ح 2، البته شك نیست که آن مردم، غیر از مردمان مسلمانی هستند که هم اکنون ما آنان را به محبت این دو بزرگوار می‌شناسیم.

این حجر نیز در بیان شرح حال علی بن رباح سخنی دارد که خلاصه آن این است: هنگامی که بنی امیه خبر دار می‌شدند که نوزادی به نام علی نامگذاری شده است آن نوزاد را به قتل می‌رساندند، این خبر به گوش پدرش، رباح رسید و گفت: نام فرزند من «علی» نیست بلکه «عَلّی» می‌باشد، خود وی نیز نام علی را ناخوش می‌داشت و بر هر کس که علی نام داشت، سخت می‌گرفت.

این حجر ادامه می‌دهد: خود علی بن رباح می‌گفت: کسی را که مرا علی بنامد حلال نخواهم کرد؛ چرا که من عَلّی نام دارم. ر.ک شرح حال او در تهذیب التهذیب 7 / 280 - 281.

مطالعی که شافعی در اشعاری که قبلاً از وی نقل کردیم بیان کرده است نیز بر همین مطلب دلالت می‌کند.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

ستمگر به دلیل اینکه از جماعت صالح و اصالت، واقعیت، اخلاص و آمادگی آن برای فداکاری، همچنین صحت مفاهیمی که این جماعت برای مردم مطرح می‌کرده و منطق صحیحی که در بیان این مفاهیم از آن بهره می‌جستند، شناخت و آگاهی داشته، بیشترین خطر را از ناحیه آنان احساس می‌کردند و حساسیت بسیار زیادی نسبت به آنان داشتند.

راهکارهای بازدارنده

از همین جا می‌بینیم که اهل بیت [^] با ابداع ده‌ها راهکار برای ایجاد روحیه احتیاط، بیداری و آموزش، عنایت و اهمیت ویژه‌ای برای این محور امنیتی قائل بودند.

شیخ کلینی در روایت معتبری از احمد بن محمد بن ابی نصر نقل می‌کند که گفت:

از حضرت امام رضا \times در باره مسئله‌ای پرسیدم: آن حضرت از دادن پاسخ امتناع کرده و قدری تأمل نموده، سپس فرمودند:

اگر همه آنچه را که مورد نظر شما است در اختیاران بگذاریم، باعث ناراحتی و دردسر شما شده، گریبانگیر کسی خواهد شد که دارای این اسرار است. ابوجعفر (امام باقر) \times فرموده است: خداوند اسرار ولایت خود را به جبرئیل \times سپرد، جبرئیل آن اسرار را به محمد ^{سپرد}، محمد نیز آن اسرار را در اختیار علی قرار داد، علی نیز اسرار ولایت خداوند را در نزد کسانی به ودیعت سپرد که خدا خواسته بود. حال شما می‌خواهید این اسرار را افشا کنید، کیست که سخنی را شنید و توانست یک کلمه از

آنچه شنیده را در نزد خود نگاه دارد؟!

ابوجعفر × در بیان حکمت آل داود فرموده است: سزاوار است که هر مسلمان کنترل نفس خود را در دست داشته، به امور خود آگاه بوده، مردم زمان خود را بشناسد. پس از خدا پروا کنید و اسرار ما را فاش نکنید که اگر نبود اینکه خداوند متعال از اولیای خود دفاع کرده و انتقام اولیایش را از دشمنانش می‌ستاند، اولیای الهی را از فتنه دشمنان خلاصی نبود. آیا ندیده اید که خداوند متعال چگونه انتقام ابوالحسن (امام کاظم) × را از آل برمک گرفت؟ و ندیدید که بنی اشعث از سوی حاکم زمان خود در معرض چه خطر بزرگی بودند که خداوند به واسطه اینکه آنان ولایت ابوالحسن × را در دل داشتند، شر او را از آنان دفع کرد؟

شما در عراق شاهد اعمالی هستید که این طاغوت‌های سرکش انجام می‌دهند و می‌بینید که خداوند چه مهلتی به آنان داده است، پس بر شما باد که تقوای الهی را پیشه خود سازید و زرق و برق زندگی دنیا شما را نفریبد و از اینکه خداوند متعال بعضی از گذشتگان شما را در عین انجام کارهای ناشایست مهلت داده است، مغرور نشوید که حجت بر شما تمام گردیده است.⁽¹⁾

در حدیث صحیح دیگری نیز امام صادق × آشکارا اصحاب خود را از عواقب و زیان‌های دنیوی افشای اسرار بر حذر می‌دارد:
هرکه روز خود را با افشای اسرار ما آغاز کند، خداوند گرمای آهن و

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

تنگنای زندان را به وی خواهد چشاند.⁽¹⁾

و گاه بر حذر داشتن شیعیان از افشای اسرار به حدی می‌رسید که می‌بینیم در روایتی به نقل عثمان بن سعید از حضرت امام هادی × وارد است که آن حضرت به وی فرموده‌اند:

اگر بتوانی چیزی را که در یک دست خود داری از دست دیگر خود پنهان کنی، این کار را بکن.⁽²⁾

و نیز عثمان گوید: کسی در نزد آن حضرت از افشای اسرار سخن به میان آورد، آن حضرت به وی فرمودند:

زیانت را نگاه دار تا همواره عزیز باشی و مردم را به دست خود بر گرده خویش مسلط مکن که خوار گردی.

در حدیث معتبر دیگری نیز خطر افشای اسرار را به کشتن پیامبران به ناحق تشبیه کرده است که در روایت ابو بصیر از حضرت امام صادق × در تفسیر آیه کریمه:

{وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقِّ}⁽³⁾

فرموده است:

به خدا سوگند آنان، این پیامبران را مستقیماً با شمشیرهای خود نکشتند،

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 493 ح 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 493 ب 34، تحریم اذاعة الحق مع الخوف به، ح 5.

3. و پیامبران را بناحق می‌کشند.

بلکه اسرار آنان را در نزد دشمنان افشا کردند و پیامبران به همین سبب به قتل رسیدند.⁽¹⁾

همچنین کلینی در کافی با سند صحیح از سلیمان بن خالد نقل کرده است که گفت: امام صادق × فرمودند:

ای سلیمان، شما دارای اعتقادات دینی و مذهبی هستید که هر کس آن را پوشیده بدارد، خداوند عزتش خواهد داد و هر کس افشایش کند خوارش خواهد نمود.⁽²⁾

و در زمان‌هایی که یکی از ائمه با پدیده شتابزدگی در باور مسائل سیاسی و سعی بیش از حد شیعیان برای فعالیت در جهت جلب امت به محبت اهل بیت [^] رو به رو می‌شدند (که به قیمت در خطر قرار گرفتن آنها تمام می‌شد) به موضع‌گیری در برابر آن می‌پرداختند، چنان که در روایتی از حضرت علی بن الحسین امام سجاد ['] نقل شده است:

به خدا سوگند، بسیار دوست می‌داشتم گوشت ساعد دستم را قطع می‌کردند [که غالباً منجر به مرگ می‌شود]، اما در عوض دو خصلت از میان شیعیان رخت بر می‌بست: یکی تهوّر یا سبکسری و از خود بی خود

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 494 ب 34 ح 7.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 484 ب 32، وجوب کتم الدین عن غیر اهل مع التقیه، ح

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

شدن در حالت خشم و دیگری سهل انگاری در کتمان اسرار.⁽¹⁾

در حدیث دیگری نیز حضرت امام صادق \times نقش دیگری به مسئله کتمان اسرار داده‌اند؛ نقشی در ارتباط با ایمان، عقیده، اصل ولایت اهل بیت [^] و تحمل مسئولیت دعوت مردم به سوی اهل بیت [^].

از عبدالاعلی روایت است که از امام صادق \times شنیدم که می‌فرمود:

کشیدن بار مسئولیت ولایت ما اهل بیت تنها به پذیرش قلبی و تصدیق زبانی نیست، بلکه از مصادیق این امر، کتمان این اعتقاد و پوشیده داشتن آن از ناهلان است.

سلام ما را به شیعیان ما برسان و به آنان بگو: خداوند بنده‌ای را پیامزد که محبت مردم را به سوی ما جلب کند، پس آنچه را که مورد فهم عموم مردم است و مورد پذیرش آنان واقع می‌گردد، برای آنان نقل کنید، و آنچه را از حد درک آنان فراتر بوده و مورد انکار آنان واقع خواهد شد، از آنها پپوشانید.⁽²⁾

و در حدیث دیگری حضرت امام صادق \times به شدت کسانی را که به این آموزه‌ها واقعی ننهادند و اسرار را پخش کرده و با این کار هم پیشوای خود و هم سایر شیعیان را با خطرات رو به رو ساخته و در مهلکه می‌انداختند، مورد توبیخ قرار داده و خشم بیزاری خود را از

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 484 ب 32، وجوب کتم الدین عن غیر اهل مع التقیة، ح

2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 484 ب 32، الأمر و النهی، ح 5.

آنان این گونه بروز داده است:

از قاسم شریک الفضل - که مرد راستگویی بود - روایت است که گفت: از حضرت صادق × شنیدم که می فرمود:

گروهی در مسجد هستند که دائم خود را مطرح کرده و سخن ما را بر سر زبان‌ها می‌اندازند، نه آنها از من بوده و نه من از آنان هستم. هرچه من با منطق صحیح و مدارا با مردم، خود را از عموم پنهان می‌کنم، آنها پرده و پوشش مرا از هم می‌درند، خداوند پرده هایشان را بدرد. آنان می‌گویند که من امام و پیشوایشان هستم، به خدا سوگند که من تنها امام کسانی هستم که از من پیروی و اطاعت نمایند، اما کسانی که مرا نافرمانی کنند هرگز پیشوایشان نخواهم بود. چرا همواره نام مرا بر سر زبان خود می‌گردانند؟ آیا نمی‌خواهند زبان خود را از بردن نام من باز دارند؟ به خدا سوگند که خداوند مرا با آنان زیر یک سقف جمع نخواهد کرد.⁽¹⁾

[3] حضور در دستگاه حکومت

محور سوم امنیت جماعت صالحان، حضور نسبی و محدود آنان در دستگاه حکومتی ستمگر با هدف آشنایی با مواضع، برنامه‌ها، سیاست‌ها یا فعالیت‌های سرکوبگرانه آنان است تا به این وسیله بتوانند به موقع از این گونه مسائل دوری گزیده، فعالیت‌های دستگاه حکومتی را زیر نظر داشته و برنامه‌های آنان را پیش از رسیدن به مرحله عمل افشا کرده و از این طریق، زیان‌هایی را که ممکن بود از

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 485 ب 33، تحریم تسمیة المهدی و سائر الأئمه، ح 1.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

این برنامه‌ها دامنگیر جماعت صالح یا عموم مسلمین شود، از آنان دفع نمایند.

پیشتر دانستیم اهل بیت [^] هر گونه همکاری و کمک به ستمگران را به هر میزان که باشد، قاطعانه بر پیروان خود حرام کرده بودند، چه انجام خدمات عمومی که سهمی در محکم شدن پایه‌های حکومت آنان داشته یا در نهایت منجر به پذیرش حکومت آنان شود، یا راه انجام کارهای ظالمانه آنان را هموار نماید و چه تصدی مناصب مربوط به حکومت و ولایت باشد.

مرحوم شیخ کلینی در کتاب کافی با سند صحیح از ابو بصیر نقل کرده است که گفت: از حضرت امام محمد باقر \times در رابطه با وارد شدن در کارهای آنان (منظور حاکمان ستمگر است) پرسیدم، آن حضرت در پاسخ فرمودند:

نه‌ای ابامحمد، این کار حتی اگر به اندازه یک بار کشیدن قلم بر روی کاغذ باشد، جایز نیست. هیچ کس از دنیای ستمگران چیزی به چنگ نخواهد آورد، مگر اینکه ستمگران نیز به همان اندازه از دین او خواهند گرفت یا تا آنها به همان اندازه از دین او نربایند از دنیای آنها بهره مند نخواهد گردید.⁽¹⁾

شیخ کَشّی نیز در رجال خود از صفوان بن مهران جَمّال (شتریان) روایت کرده است:

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 12 / 129 ح 5.

بر حضرت ابوالحسن اول (موسی بن جعفر) ' وارد شدم، آن حضرت به من فرمودند: ای صفوان، همه کارهای تو خوب و زیبا است مگر یک کار.

عرض کردم: قربانت گردم، کدام کار؟

فرمود: کرایه دادن شترانت به این مرد؛ یعنی هارون.

عرض کردم: به خداوند سوگند که من شترانم را برای تفریح، خوشگذرانی، شکار و لهو و لعب به او کرایه نداده‌ام، بلکه شترانم را برای رفتن به این راه یعنی راه مکه به او کرایه داده‌ام و خود نیز شخصاً سرپرستی کاروان را به عهده نگرفته‌ام و قصد دارم غلامانم را برای این کار بفرستم.

آن حضرت به من فرمودند: ای صفوان، آیا کرایه تو بر عهده آنها نخواهد بود؟

عرض کردم: چرا قربانت گردم.

صفوان گوید، امام به من فرمودند: آیا دوست نداری آنها تا زمانی که کرایه تو را بدهند باقی بمانند؟

عرض کردم: چرا.

فرمود: هر کس بقای آنان را خوش دارد از آنان است و هر که از آنان باشد در آتش جهنم داخل خواهد شد.

صفوان گوید: من رفتم و همه شترانم را فروختم، این خبر به گوش

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

هارون رسید، او مرا به حضور خود خواست و گفت: ای صفوان، شنیده‌ام که شتران خود را فروخته‌ای.

گفتم: آری.

گفت: برای چه؟

گفتم: من پیری سالخورده‌ام، غلامانم نیز آن گونه که باید به کارها رسیدگی نمی‌کنند.

هارون گفت: هیئات، این سخن تو دور از واقعیت است، من خوب می‌دانم که تو به مشورت چه کسی این کار را کرده‌ای، موسی بن جعفر به تو گفته که این کار را انجام دهی.

گفتم: مرا به موسی بن جعفر چه کار؟

هارون گفت: این سخنان را کنار بگذار، اگر رفاقت تو با ما نبود، تو را می‌کشتم.⁽¹⁾

اما با تمام این احوال، اهل بیت [^] بعضی از حالت‌ها و موارد را از این قانون کلی استثنا کرده‌اند و اجازه انجام چنین کارهایی را داده و گذاشته‌اند بعضی از افراد وارد دستگاه حکومتی ستمگران شده و عهده دار بعضی پست‌های مهم شوند؛ البته در دو مورد این مسئله از سایر موارد مقدم‌تر بود:

یکی آنجا که این فرد بتواند ضرری را از جماعت صالحان و افراد آن دفع نماید.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 12 / 131 ح 17.

خطوط کلی نظام امنیتی

دوم اینکه بتواند خدمات و تسهیلاتی برای افراد جماعت صالحان فراهم آورده و از حقوق جماعت صالح و افراد آن دفاع کرده، حقوق مشروع آنان را به ایشان برساند.

مرحوم شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه با سند صحیح از علی بن یقطین نقل می‌کند که گفت: حضرت امام موسی بن جعفر ' به من فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی در نزد ستمگران نیز دوستانی دارد که شر ستمگران را از سر دوستان خدا دفع می‌کنند.⁽¹⁾

چنان که کلینی در کافی با سند خود از زیاد بن ابی سلمه چنین نقل می‌کند:

بر حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر ' داخل شدم، ایشان به من فرمودند: ای زیاد، آیا به کار حکومتی مشغول هستی؟
زیاد گوید: عرض کردم: آری.

آن حضرت فرمودند: چرا؟

گفتم: من مردی آبرومند و عیالوار هستم و پشتوانه مالی ندارم.

فرمود: ای زیاد، اگر از پرتگاهی سقوط کرده و تکه تکه شوم، برایم محبوب‌تر است از اینکه برای اینها (ستمگران) کاری انجام داده یا زیر پای یکی از ایشان فرشی بپهن کنم، مگر برای چه منظوری؟

گفتم: قربانت شوم، نمی‌دانم.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 12 / 139 ح 1.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

فرمود: مگر به قصدگشایش اندوه مؤمنی یا نجات اسیر از آنها یا ادای دینی. ای زیاد، کمترین کاری که خداوند متعال با کسانی که برای ستمگران کار می‌کنند انجام می‌دهد این است که خیمه‌ای از آتش برای آنان برپا کرده، تا وقتی کار محاسبه اعمال خلایق به اتمام برسد در آن خیمه نگاهشان خواهد داشت. ای زیاد، اگر روزی کاری از کارهای ستمگران به دست تو افتاد به تک تک برادران خود خوبی کن.⁽¹⁾

از محتوای بعضی روایات نیز چنین برداشت می‌شود که عهده دار شدن چنین کارهایی حتماً باید در هر مورد با اجازه مخصوص به همان مورد از ناحیه ائمه اهل بیت [^] یا حاکم شرع دارای ولایت جماعت صالح باشد، تا این اجازه به صورت باز در برابر اجتهادهای خاص و گرایش‌های شخصی قرار نگرفته و امکان لغزش در این کار خطرناک و به انحراف افتادن افراد جماعت از این طریق کمتر شود. شیخ کلینی در روایتی با سند معتبر، از حسن بن حسین انباری⁽²⁾ چنین نقل کرده است:

مدت چهارده سال بود که به حضرت امام رضا \times نامه می‌نوشتم و در باره انجام کار حکومتی کسب تکلیف می‌کردم، در آخرین نامه‌ای که برای آن حضرت فرستادم، نوشتم: من دیگر بر جان خود بیمناک شده‌ام، خلیفه به من تهمت رافضی‌گری زده و می‌گوید: تو به دلیل رافضی بودن

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 12 / 140 ح 9.

2. به احتمال قوی این شخص باید حسن بن حسین کندی باشد که محقق اردبیلی نیز این مطلب را به صورت یقینی آورده است.

کار در دستگاه حکومت را نمی‌پذیری.

حضرت امام رضا × در پاسخ چنین مرقوم داشتند:

محتوای نامه ات را دانستم و اینکه بر جان خود بیمناک شده‌ای، اگر به یقین می‌دانی که چون عهده دار مسئولیت حکومتی شدی، موافق با آنچه رسول خدا ' بدان فرمان داده عمل خواهی کرد و پس از چندی، کارگزاران و دبیران خود را به کیش خود در خواهی آورد، و اگر مال و ثروتی از این راه نصیب تو شد به قدری مؤمنان نیازمند را در آن سهم خواهی کرد که زندگی تو مانند آنان شود، می‌توانی این کار را قبول کنی و الا فلا.⁽¹⁾

همچنان که ائمه ^ گاه این اشخاص را در انجام این گونه کارها تأیید هم می‌کردند و برای کشف نشدن هویت واقعی آنان برای حکومت دست به اقداماتی می‌زدند.

از ابن سنان روایت شده که گفت:

یکی از روزها هارون الرشید لباس‌های گرانبهایی را به عنوان هدیه برای علی بن یقظین فرستاد که در میان آنها بالاپوشی از خز سیاه بود که در آن طلا به کار رفته و از لباس‌های پادشاهان به شمار می‌آمد.

علی بن یقظین نیز همه آن لباس‌ها را برای حضرت امام موسی بن جعفر ' فرستاد که آن بالاپوش نیز در میان آنها بود، به اضافه

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 12 / 145 ح 1.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

پول‌هایی که همیشه به عنوان خمس مال خود برای آن حضرت می‌فرستاد.

وقتی محموله ارسالی او به دست امام \times رسید، آن حضرت آن پول‌ها و لباس‌ها را پذیرفتند، اما آن بالاپوش را به فرستاده علی بن یقظین داده و به علی بن یقظین در نامه‌ای نوشتند:

این بالاپوش را نگاه دار و آن را حفظ کن که به زودی در موقعیتی قرار خواهی گرفت که به این بالاپوش نیازمند خواهی شد.

علی بن یقظین در دل از بازگرداندن این لباس در حیرت بود و دلیل آن را نمی‌دانست اما طبق دستور آن را حفظ کرد.

پس از چندی علی بن یقظین با یکی از غلامان خود که از افراد خاص او بود، تندی کرده و او را از خدمت خود اخراج کرد. غلام هم که از میل علی بن یقظین به امام کاظم \times و محموله‌هایی از پول و لباس که گاه و بیگاه برای آن حضرت می‌فرستاد و چیزهای دیگر اطلاع داشت، در نزد هارون الرشید از وی بدگویی کرد و گفت: او به امامت موسی بن جعفر معتقد است و هر سال خمس مال خود را به نزد وی می‌فرستد و فلان بالاپوش که امیرالمؤمنین در فلان وقت به او لطف کرده است، برای موسی بن جعفر فرستاده است.

هارون از شنیدن این سخنان در خشم شد و گفت: من حتماً این مطلب را کشف خواهم کرد و اگر چنین باشد که گفته‌ای، وی خود را هلاک کرده است.

در همان وقت کسی را به دنبال علی بن یقظین فرستاده و او را احضار نمود، چون علی بن یقظین در برابر هارون حاضر شد به او گفت: با آن بالاپوش که بر تو پوشاندم چه کرده‌ای؟

علی در پاسخ گفت: آن لباس در نزد من است و من آن را در بقچه‌ای محتوی عطر، مهر و موم شده نگهداری می‌کنم، و هر صبح و شب بقچه را باز نموده، برای تبرک آن بالاپوش را بوسیده، به آن نگاه می‌کنم و دوباره آن را به جای خود باز می‌گردانم.

هارون گفت: همین الآن آن را حاضر کن.

علی بن یقظین گفت: چشم ای امیر مؤمنان، در همان حال یکی از خدمتکاران خود را خواست و به او گفت: به خانه برو و کلید فلان اتاق را از خزانه دار من بگیر، در آن اتاق فلان صندوق را باز کن و بقچه‌ای را که در آن است و مهر و موم شده بیاور.

طولی نکشید که غلام با بقچه وارد شد و بقچه را مهر شده در نزد هارون نهاد، هارون دستور داد تا مهر آن را شکسته آن را باز کردند، چون بقچه باز شد هارون بالاپوش را دید که همان طور که علی گفته بود غرق در عطر و مشک است، آتش غضب هارون فرونشست و به علی بن یقظین گفت: این لباس را به همان جایی که بود باز گردان و با دلگرمی به کار خود پرداز که دیگر سخن هیچ بدگویی را در باره تو تصدیق نخواهم کرد، سپس دستور داد تا جایزه نقیسی هم به او دادند همچنین دستور داد تا آن غلام را هزار ضربه شلاق بزنند

که پس از تحمل پانصد ضربه مرد.⁽¹⁾

پیشینه تاریخی این محور

شاید بتوان گفت این محور امنیتی از دقیق ترین برنامه های امنیتی بود که ائمه [^] آن را برای شیعیان ترسیم نموده بودند؛ برنامه ای که ویژگی های آن را در قرآن کریم، در بیان داستان حضرت موسی × نیز می بینیم؛ آنجا که مؤمن آل فرعون توانست پیش از مبعوث شدن حضرت موسی × به پیامبری و پس از آن، در برابر خطراتی که وی را تهدید می کرد از او محافظت نماید. او - چنان که قرآن کریم نقل کرده است - موسی را در جریان توطئه هایی که فرعون و درباریان برایش می چیدند، قرار می داد.

علی بن یقظین نیز، رئیس نیروهای امنیتی هارون الرشید بود. پدرش یقظین نیز از نمونه های شناخته شده در زمان ائمه [^] در این عرصه بود، به علاوه افراد دیگری که در بعضی از ادوار تاریخ ائمه [^] به همین کارها دست زده اند و شاید بتوان فرض کرد که این محور امنیتی، در همه ادوار تاریخ ائمه [^] وجود داشته، اگرچه جزئیات زندگی همه آنها به دست ما نرسیده است.

نمونه دیگر این افراد عبدالله بن سنان است که شیخ نجاشی در کتاب رجال خود در شرح احوال او می نویسد: عبدالله بن سنان بن طریف،

1. مفید، الإرشاد 2 / 225 - 227 * إعلام الوری 2 / 19 - 20، و به نقل از این دو کتاب: بحار الانوار 48 / 137 - 138 ح 12.

وابسته به طایفه بنی هاشم، و نیز گفته شده که وابسته به طایفه بنی عباس بود. وی خزانه دار منصور، مهدی، هادی و هارون الرشید خلفای عباسی بود. وی از اهالی کوفه، راستگو و از اصحاب ما است. وی جلیل القدر بوده هیچ خدشه‌ای در او نیست. او از حضرت امام صادق × روایت کرده، شیخ طوسی در کتاب «الفهرست» نیز او را توثیق کرده است.⁽¹⁾

همچنین در رابطه با محمد بن ابی عمیر هم که از فقهای بزرگ و مورد قبول خاصه و عامه است، مثل همین تعابیر وارد شده است.⁽²⁾

و چنین است محمد بن اسماعیل بن بزیع که خادم منصور (خلیفه عباسی) بوده، به اتفاق پسر عمویش (احمد بن حمزه) در شمار وزرا بوده است. وی از بزرگان ثقات و از صالحان و راستگویان طایفه شیعه به شمار رفته، دانشش بسیار بود. حضرت امام رضا × به او فرموده است:

خداوند متعال را بر دربار ستمگران کسانی هستند که خداوند برهان حقیقت را برایشان روشن نموده، و در شهرها به آنان قدرت و امکانات داده است تا به وسیله آنان از بندگان خود دفاع کرده، امور مسلمانان به دست ایشان اصلاح شود. آنان پناهگاه مؤمنان از آسیب‌ها بوده، مؤمنان نیازمند از شیعیان ما به آنان پناه برده و ترس مؤمنان در خانه ظلم، به

1. اردبیلی، جامع الرواة / 1 / 487.

2. الفهرست / 142 * جامع الرواة / 2 / 50 - 51.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

واسطه این افراد به امنیت بدل می‌شود.

اینان مؤمنان حقیقی هستند، آنها امین خداوند در زمین و نور خداوند در میان رعیت در روز قیامت می‌باشند که نور آنها برای اهل آسمان‌ها مانند نور ستارگان درخشان برای اهل زمین است. این افراد کسانی هستند که نور روز قیامت از آنان بوده و صحنه قیامت را با نور خود روشن می‌کنند. به خدا سوگند که اینان برای بهشت آفریده شده و بهشت نیز برای آنان خلقت گردیده است، پس گوارا باد بر ایشان. و کسی از شما را نیز نکوهشی نخواهد بود اگر بخواهد به تمام این مراتب و مقامات نایل آید.

به آن حضرت عرض کردم: قربانت گردم، چگونه؟

فرمود: خود را با ستمگران همراه می‌کند و با شاد کردن شیعیان ما دل ما را شاد می‌کند، ای محمد، تو هم از آنان باش. ⁽¹⁾

غیر از این اشخاصی که نام بردیم، بسیار بودند کسانی که به همین شیوه عمل می‌کردند و کسانی که در این زمینه تحقیق کنند در میان اصحاب ائمه [^] آنان را خواهند یافت.

این پدیده بر وجود برنامه ریزی ابتکاری و دقیقی دلالت دارد که اهل

1. جامع الرواة 2 / 69 به نقل از رجال نجاشی، شاید هم این توصیفات بسیار عالی از مقام این افراد به دلیل اعتبار، خطرناک بودن، دشواری و دقت اجرای این کار، و مشقتی باشد که انسان‌های صالح و متقی از همنشینی با ستمگرانی که از جنس آنان نیستند، متحمل خواهند شد.

بیت [^] به ویژه در بعضی از دوره‌ها به انجام آن همت گماشتند و تأثیر بزرگی در حمایت از جماعت صالحان و تکامل و رشد آن و در نتیجه، تأثیر در میان اقشار مختلف امت اسلام داشته است.

[4] پناهندگی و هجرت

چهارمین محور امنیتی جماعت صالحان پناه گزیدن در پناهگاه‌هایی در مناطق دور از دسترس حکومت و هجرت کردن به آن مناطق است؛ مانند مناطق روستایی که محل زندگی عشایر و قبایل عرب شیعه اهل بیت [^] بود، مناطق کوهستانی و یا مناطقی که از حکومت مرکزی فرمان نمی‌بردند. البته اقدام به این عمل تنها در موارد اضطراری و استثنایی و با هدف تحصیل امنیت و دفع خطرات از یک سو و اقدام به رساندن دعوت و رسالت اسلامی و گسترش هدایت و صلاح و نیز آموزش اخلاق و احکام الهی به مردم آن مناطق، از سوی دیگر به انجام می‌رسید.

در قرآن کریم نیز می‌یابیم که از بعضی مثال‌ها و حوادث که در راستای همین محور یعنی هجرت انجام گرفته سخن به میان آمده است؛ مانند قضیه حضرت ابراهیم \times که پس از جریان به آتش انداختن آن حضرت، راه مهاجرت در پیش گرفت و حضرت لوط نیز به همراه وی هجرت کرد.

{وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ} (1)

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

و [ابراهیم] گفت: من به سوی پروردگار خود هجرت می‌نمایم، که اوست
ارجمند حکیم.

و به همین ترتیب است جریان مهاجرت حضرت موسی × به
سرزمین مدین:

{فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الظَّالِمِينَ * وَ لَمَّا تَوَجَّهَ
تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ} (1)

موسی ترسان و نگران از آنجا بیرون رفت [در حالی که می‌گفت:
پروردگارا، مرا از گروه ستمکاران نجات بخش * و چون به سوی [شهر]
مدین رو نهاد [یا خود] گفت: امید است پروردگارم مرا به راه راست
هدایت کند.

جریان هجرت حضرت موسی × و بنی اسرائیل از مصر به سوی
سرزمین مقدس نیز از همین باب است.

شاید اساس و ریشه این محور در فرآیند محافظت از جماعت
صالحان در تاریخ اسلام، عملکرد پیامبر اکرم ' در تأمین امنیت
مسلمین باشد که چون فشار و آزار مشرکان بر مسلمانان شدت یافت
و از طرفی مسلمانان نیز ابزار و امکانات کافی جهت حفاظت و
حراست از خود نداشتند، با صدور فرمان مهاجرت آنان به حبشه و
پناه بردن به آن مناطق، امنیت ایشان را تأمین فرمود، اگر چه آن
سرزمین‌ها اسلامی نبودند.

و همین گونه است هجرت پیامبر اکرم ' به مدینه پس از آغاز انتشار اسلام در آن شهر، چون قبل از هجرت آن حضرت به مدینه که اداره آن شهر با مشرکان بود، خطر قابل توجهی از سوی مشرکان مدینه، پیامبر و مسلمانان را تهدید نمی کرد.

چه اینکه این عمل تقریباً شبیه پناهندگی سیاسی است که در زمان ما نیز متداول است و بعضی از اعضای گروه‌های سیاسی که به صورت استثنایی مورد تعقیب قرار می‌گیرند به کشورهایی پناه می‌برند که اجازه زندگی آزادانه را به آنان می‌دهند.

شواهدی نیز در تأکید این نکته وجود دارد که اهل بیت [^] مسئله هجرت را به عنوان یک محور امنیتی برای حفاظت از جماعت صالحان پذیرفته بودند. حال به بعضی از این شواهد اشاره می‌کنیم:

شواهد تاریخی هجرت

اولین شاهد، پراکندگی وسیع فرزندان ائمه [^]، نوادگان آن بزرگواران، دانشمندان و شیعیان صالح اهل بیت [^] به ویژه در مناطق مرتفع کوهستانی یا مناطق دوردست می‌باشد؛ مناطقی چون مازندران و گیلان در ایران (که قبلاً بلاد ترک و دیلم خوانده می‌شد)، همچنین مناطقی در آفریقا، شبه قاره هند، منطقه قفقاز و جزایر مالای (در آفریقا)، و اگر با دقت ملاحظه کنیم، خواهیم یافت که اسلام به دست همین سادات به این مناطق وارد شده یا فرهنگ اسلامی از طریق وجود آنان در آن مناطق انتشار یافته است.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

دومین شاهد، پراکندگی و انتشار شیعیان اهل بیت [^] در نقاط مختلف جهان اسلام است که تقریباً بدون استثنا در تمام مناطق جهان اسلام حضور دارند، و خصوصاً اینکه این حالت در زمان خود ائمه [^] وجود داشته و از آن زمان به عصرهای بعدی امتداد یافته است، با اینکه اهل بیت [^] و پیروانشان همواره در محاصره سیاسی و اقتصادی بوده، در معرض کشتار و تعقیب و مراقبت شدیدی قرار داشتند که اجازه ایجاد چنین ارتباطات گسترده‌ای را به آنان نمی‌داد. اگر رعایت این محور امنیتی که اهل بیت [^] برای شیعیان خود قرار داده‌اند نبود این امر امکان پذیر نمی‌گشت، چنان که بعضی از روایات نیز بر این نکته دلالت دارند.

در روایتی که شیخ نعمانی در کتاب غیبت نقل کرده و دیگران نیز آن را نقل نموده‌اند، پس از اینکه حضرت امام صادق \times شیعیان خالص را اینگونه توصیف می‌کند که:

تنها کسانی پیروان ما هستند که همچون سگان زوزه نمی‌کشند و همچون کلاغ طمع نمی‌ورزند، و حتی اگر از گرسنگی بمیرند، هیچ گاه دست نیاز به سوی مردمان دراز نمی‌کنند.

در جواب سؤال کننده که می‌پرسد: فدایت شوم، من چنین اشخاصی را در کجا پیدا کنم، فرموده‌اند:

در گوشه و کنار زمین به دنبال آنها بگرد، آنان کسانی هستند که زندگی سختی دارند، محل سکوتشان همواره در حال انتقال است. آنان که اگر دیده شوند، شناخته نشوند و اگر ناپدید گردند کسی به دنبال آنها نخواهد

گشت.⁽¹⁾

سومین شاهد، این است که بعضی از حوادث بزرگ تاریخ اسلام از وجود همین محور امنیتی جامعه شیعه نشأت گرفته است، برپا شدن دولت فاطمیان در شمال آفریقا، دولت حسینیان در طبرستان و بروز بعضی از نهضت‌ها و قیام‌ها توسط علویان خصوصاً در عصر عباسی، به اعتبار وجود همین پناهگاه‌ها و رشد تدریجی آنها بوده است، به گونه‌ای که این حرکت‌ها رفته رفته به نیرویی بزرگ بدل گشتند که تهدید کننده حکومت مرکزی بوده و آن را آزار می‌دادند.

چهارمین شاهد، وجود بعضی از روایات است که از اهل بیت [^] رسیده و در آنها اجازه هجرت به کشورهای غیر اسلامی داده شده است، البته به شرطی که مجال ابراز عقیده و دعوت به سوی آن، برای هجرت کنندگان وجود داشته باشد. این در حالی است که مهاجرت به کشورهای غیر اسلامی در حالت طبیعی، از مصادیق تعرّب بعد از هجرت (باز گشتن به مناطق سکونت کفار پس از هجرت به سرزمین اسلام) بوده و در شریعت اسلام از محرّمات به شمار می‌رود.⁽²⁾ و در مجموعه‌ای از روایات از اهل بیت [^] بر حرمت آن تأکید نیز شده است.

از حضرت جعفر بن محمد از پدرانش [^] روایت شده است که در

1. نعمانی، الغیبة / 203 - 204 ح 4 و به نقل از آن: بحار 68 / 165 ح 16.

2. تعرّب بعد از هجرت، یعنی انتقال از مملکتی که اسلام در آن با قدرت حضور دارد و رقتن به بلادی که به سبب وضعیت خاص اجتماعی در آنها، دین اسلام کم‌رنگ و ضعیف می‌باشد، مانند کشورهای غربی در زمان ما یا مناطق بدوی دور از مدینه منوره در صدر اسلام.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

وصیت پیامبر اکرم ' به حضرت علی × آمده است:

پس از هجرت به جهان اسلام دیگر امکان باز گشت به مناطق اهل کفر نخواهد بود.⁽¹⁾

و از محمد بن سنان روایت است که حضرت رضا × در جواب سؤالات او مرقوم فرموده‌اند:

و خداوند تعرب بعد از هجرت را حرام کرده است، به جهت اینکه این کار موجب خروج از دین و باعث عدم پشتیبانی از پیامبران و حجت‌های الهی شده، سکونت در بادیه و همنشینی با مشرکان، حق هر صاحب حقی را باطل خواهد نمود. به همین جهت، جایز نیست کسی که شناخت کاملی از دین دارد، با اهل جهل، نادانان و کسانی که ممکن است زیانی به وی برسانند همنشینی کند، زیرا در این صورت در امان نیست که رفته رفته دانش خود را ترک گوید و در نادانی نادانان داخل شده، و به همان حال بماند.⁽²⁾

اما از بعضی روایات دیگر چنین بر می‌آید که تنها در یک حالت این حکم شرعی کلی استثنا شده است و آن حالت، وجود فرصت ابراز عقیده صحیح و دعوت مردم به سوی آن - البته در صورت فراهم نبودن شرایط این کار در درون بلاد اسلام - است.

از حماد سمندی روایت شده که گفت:

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 75 ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 75 - 76 ح 2.

به حضرت امام جعفر بن محمد صادق × عرض کردم: من به بلاد شرک داخل می‌شوم و بعضی از دوستان ما به من می‌گویند: اگر در این حالت مرگ تو در میان کافران فرا رسد با آنها محشور خواهی شد! امام صادق × در پاسخ حماد فرمودند:

ای حماد، آیا وقتی که آنجا هستی، امر ما را به یاد می‌آوری و آن را تبلیغ می‌کنی؟

عرض کردم: آری.

فرمود:

آیا وقتی در بلاد اسلام هستی می‌توانی امر ما را یاد کرده و دیگران را به آن فراخوانی؟

عرض کردم: خیر.

فرمود: در این صورت اگر مرگ تو در میان آن کافران فرا رسد، در هنگام مرگ به تنهایی به صورت یک امت محشور خواهی شد و نور تو پیشاپیش در حرکت خواهد بود.⁽¹⁾

2

سیاست های کلان

امنیتی

اهل بیت ^۸ برای پشتیبانی و حمایت از محورهای امنیتی که در بخش قبل آنها را بیان کردیم، مجموعه‌ای از سیاست‌های کلی را وضع کردند؛ چرا که برنامه‌های امنیتی در صورتی مؤثر و مفید خواهد بود که طی سیاست گذاری‌های کلی، به مرحله اجرا در آید خصوصاً که اگر به دقت ملاحظه کنیم خواهیم یافت که ائمه ^۸ با این کار خواسته‌اند، امنیت جماعت صالحان را با رعایت این نکته محقق نمایند که آنان همواره در چارچوب جامعه و امت واحده اسلامی به زندگی و فعالیت خود پرداخته، حالت تأثیر گذاری خود را حفظ کرده و مسئولیت‌های گسترده خود را در قبال اسلام و جامعه اسلامی به انجام رسانند.

به علاوه که آنان، اهداف مهم دیگری نیز از این سیاست گذاری‌ها داشتند، اما آشکارترین و مهم‌ترین آنها هدف امنیتی است که گاه نیز با برنامه‌های امنیتی دیگر و محورهای عام پیش گفته شده، تداخل پیدا می‌نماید. ما در این بخش به چهار نمونه از این سیاست‌های کلی و بازتاب‌های امنیتی آشکار آنها اشاره خواهیم کرد.

[1] همزیستی با مسلمانان

اولین سیاست، بنا نهادن ارتباطات قوی و صحیح جماعت صالحان با جامعه است؛ جامعه‌ای که از یک جهت پایگاه اصلی فعالیت پیروان اهل بیت [^] را تشکیل می‌داد و در عین حال، به عنوان نیروی فشاری با توان تأثیر دو جانبه مطرح بود، چرا که عموم مسلمانان همان گونه که می‌توانستند در اثر تحریکات حکومت بر ضد شیعیان اهل بیت [^]، عامل فشاری بر ضد جماعت صالح باشند، می‌توانستند به عامل فشار بر حکومت‌ها نیز تبدیل شوند تا آنان را وادار به دست برداشتن از تعقیب و آزار اهل بیت [^] و پیروان آنها، همچنین عدم اعمال ظلم و ستم نسبت به مسلمانان نمایند، و این تغییر، از راه به وجود آمدن ارتباط جماعت صالحان با عموم مردم و بیدار کردن آنها امکان پذیر بود.

این حقیقتی بود که اهل بیت [^] قطعاً در تحقق آن موفق بودند و اثرات آن را در مقاومت و مبارزه گسترده‌ای که مردم مسلمان با این حکومت‌های ستمگر انجام می‌دادند می‌توان دید، با اینکه بسیاری از مسلمانان نیز پیرو مذهب اهل بیت [^] نبودند.

شاید یکی از مهم‌ترین ابعاد تقیه نیز همین جنبه آن بوده و منظور از پی ریزی سیاست تقیه برای جماعت صالحان، فراهم آوردن امکان همزیستی مسالمت آمیز با سایر مسلمانان می‌باشد.

موضوع همزیستی مسالمت آمیز با سایر مسلمانان غیر از بعد امنیتی، دارای ابعاد دیگری نیز هست که از جمله آنها تحقق یکپارچگی و وحدت امت اسلام است، اما در عین حال دارای یک بعد سیاسی نیز

هست که در محافظت از جماعت صالحان در برابر عکس العمل‌های عامه مردم یا عکس العمل‌های دستگاه حکومتی، نمود پیدا می‌کند.

ائمّه^۱ در راستای تحقق این هدف به اجرای چند برنامه پرداختند:

1. درخواست ائمّه^۱ از پیروان خود برای شرکت در مراسم و شعائر اسلامی است که برای عموم مسلمانان از اهمیت برخوردار بوده و اسلام نیز به عنوان ارکان جامعه اسلامی عنایت خاصی نسبت به آنها داشته است.

ملاحظه می‌کنیم که با وجود بعضی از ملاحظات از سوی شیعیان در رابطه با این حضور، مانند موضوع عدالت که در امام جماعت شرط است؛ چون بیشتر ائمّه جماعت در آن زمان از والیان ستمگر یا وابستگان دستگاه ظالم بودند، یا موضوع اختلاف مذهبی در کیفیت اقامه نماز از لحاظ وقت یا بعضی از شرایط دیگر، یا موضوع مضامین فرهنگی منحرف یا آزار دهنده همچون دشنام دادن به حضرت امیرالمؤمنین × و حمله کردن در سخنرانی‌ها و گفتگوها به شیعیان آن حضرت از سوی مردمی که پیرو مذهب اهل بیت^۱ نبودند، ترغیب بسیاری از سوی ائمّه معصومین^۱ بر این حضور به انجام رسیده است.

از حلبی، از حضرت امام صادق × روایت شده است که فرمود:

هرکس با آنان در صف اول جماعت نماز بخواند، گویا که پشت سر

رسول خدا^(۱) نماز گزارده است.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 5 / 381 ح 4.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

و از عبدالله بن سنان روایت است که گفت: از حضرت امام صادق × شنیدم که فرمود:

شما را به تقوای الهی توصیه می‌کنم، و سفارش می‌کنم که مردم را بر خود مسلط نکنید که خوار و ذلیل خواهید شد، خداوند متعال در کتاب خود می‌فرماید: {و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید} ⁽¹⁾

سپس فرمود:

بیمارانشان را عیادت کنید، در تشییع جنازه ایشان شرکت کنید، در محاکم به نفع یا ضرر آنان شهادت بدهید و با آنان در مساجدشان نماز بخوانید.

2. تشویق پیروان بر تقید به حفظ روابط کلی اجتماعی با عموم مردم به ویژه در میان عشایر و قبایل به گونه‌ای که وجود اختلافات مذهبی تأثیری بر این گونه از روابط نداشته باشد، روابطی چون صلۀ رحم، حضور در مراسم تشییع جنازه و ختم یا مراسم جشن عروسی، عیادت بیماران و دیگر فعالیت‌های اجتماعی و حقوق کلی مردم بر یکدیگر.

از معاویة بن وهب، از امام صادق × روایت است که گفت:

به آن حضرت عرضه داشتم: با اقوام و خویشاوندان خود یا دوستانی که در میان جامعه داریم و از لحاظ اعتقادی مانند ما نیستند باید چگونه رفتار کنیم؟

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 5 / 382 ح 8.

آن حضرت در پاسخ فرمودند:

ببینید پیشوایان شما در چنین مواردی چگونه عمل می‌کنند، شما هم مانند آنها عمل کنید. به خداوند سوگند که پیشوایان شما از بیماران آنها عیادت می‌کنند، در تشییع جنازه آنها حضور پیدا می‌کنند، له یا علیه آنها در محاکم شهادت می‌دهند و اگر امانتی از آنان در نزدشان به ودیعت نهاده شود امانت را به صاحبش می‌رسانند.⁽¹⁾

و از کثیر بن علقمه روایت شده است:

به حضرت امام صادق × عرض کردم: مرا نصیحت کن.

ایشان فرمودند: تو را به تقوای الهی، ورع و عبادت سفارش می‌کنم، همچنین به طول دادن سجده، ادای امانت، راستگویی و حسن معاشرت با دیگران که این امور توسط پیامبر اکرم ' آورده شده است.

نماز خود را در میان اقوام و در عشیره هایتان به جای آورید.⁽²⁾ مریضان خود را عیادت کنید، و در تشییع مردگان خود حضور یابید.

همواره مایه زینت و افتخار ما باشید و مایه ننگ و عار ما نباشید، محبت ما را در دل مردم بیاندازید و کینه آنان را نسبت به ما زیاد نکنید، همه محبت‌ها را به سوی ما بکشید و همه بدی‌ها را از ما دور کنید.⁽³⁾

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 399 ح 3.

2. یا «با افراد عشیره‌های خود پیوند برقرار نمایید». در دو مورد از روایات همین کتاب عبارت به صورت «صَلُّوا عَشَائِرَكُمْ» آمده است - مترجم.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 400 ح 8.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

3. همت گماشتن افراد جماعت صالح به الگو سازی برای جوامع اسلامی به گونه‌ای که این جماعت، مورد اعتماد و اطمینان مردم و امین آنها در نگهداری امانات و محل رجوع آنان در حل مشکلات و حل و فصل منازعات بوده و الگوی آنها در وفای به عهدها و پیمان‌ها باشند.

در حدیث معتبری از امام صادق \times روایت شده است که فرمود:

به خدا سوگند که پدرم \times بر من روایت کرد که: در گذشته چنین بود که اگر مردی از شیعیان علی \times در قبیله‌ای بود، زینت آن قبیله به حساب می‌آمد. وی امانتدارترین، راستگوترین و بهترین شخص در میان آنان برای ادای حقوق مردم بود. آنان وصیت‌ها و امانت‌های خود را در نزد او می‌سپردند. و اگر از آن عشیره در باره او می‌پرسیدی، پاسخ می‌دادند که چه کسی مانند فلانی است؟! او امین‌ترین و راستگوترین ما است.⁽¹⁾

[2] رعایت احتیاط در دعوت به حق

دومین سیاست کلی در زمینه مسائل امنیتی، رعایت احتیاط و مراقبت در امر دعوت به راه حق و مذهب اهل بیت [^] و مسائل مربوط به آن بود،⁽²⁾ مانند مسئله مرجعیت دینی اهل بیت [^] یا بعضی از قضایای عقیدتی یا ویژگی‌های خاص اهل بیت [^] یا حقوق اهل

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 399 ح 2. در باب ششم همین کتاب که به روابط جماعت صالحان می‌پردازد، شرح و توضیح بیشتری در این رابطه خواهد آمد.
2. در هنگام بیان بعضی از روایات در جلد اول، بخش ویژگی‌های جماعت صالحان اشاره ای به این موضوع داشته ایم.

بیت [^] بر مسلمانان و مسائلی از این قبیل.

در روایات اهل بیت [^] می‌یابیم که در پشت این جنبه امنیتی و حفاظت از جماعت صالحان، همین سیاست حذر و احتیاط قرار داشته است.

این سیاست برخاسته از یک موازنه بود؛ موازنه میان وجوب هدایت مردم و مصالح برآمده از دعوت به حق و هدایت مردم به سوی آن از یک طرف، و حرمت افشای اسرار و خطرات و زیان‌های ناشی از این دعوت از طرف دیگر؛ چرا که این امر، در صورت مساعد نبودن شرایط پذیرش مردم یا منجر شدن به افشای اسرار این دعوت، می‌توانست موجبات جلوگیری از این دعوت و عدم افزایش تعداد شیعیان را فراهم آورده و جریان امور را در روند حوادث و مجرای طبیعی خود متوقف سازد.

شیخ صدوق در روایتی حسنه از محمد بن عیسی چنین نقل می‌کند:

در کتاب علی بن هلال (ظاهراً علی بن بلال) روایتی خواندم که از رجل یعنی حضرت ابو الحسن (امام کاظم ×) سؤال شد که از پدران شما روایتی نقل شده با این مضمون که آن بزرگواران از بحث کردن در باره دین نهی کرده‌اند، و دوستان شما این روایات را تأویل کرده و می‌گویند: این روایات در باره کسانی است که نمی‌توانند در این رابطه به درستی بحث کنند، آیا این تأویل صحیح است یا نه؟

ایشان در پاسخ مرقوم داشتند:

چه آنان که بحث از این مسائل را به خوبی می‌دانند و چه کسانی که از

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

این گونه مسائل سررشته ندارند، نباید در این مسائل وارد شوند؛ زیرا ضرر این کار از منفعتش بیشتر است.⁽¹⁾

امام × در این روایت به این نکته اشاره دارند که دعوت به دین اگر چه دارای فایده است، اما اگر شرایط سیاسی و روحی مهیا نباشد، زیان آن از منفعتش بیشتر خواهد بود.

در حدیث حسنة دیگری از حمران چنین نقل شده است:

به حضرت امام صادق × عرض کردم: خدا خیرت دهد بیرسم؟

فرمود: آری.

عرض کردم: من قبلاً حالتی داشتم و اکنون حالت دیگری پیدا کرده‌ام. سابقاً به منطقه‌ای می‌رفتم و یک یا دو نفر، مرد یا زن را به راه راست دعوت می‌کردم و خداوند نیز هر که را می‌خواست، نجات می‌داد، اما حال دیگر کسی را دعوت نمی‌کنم. ایشان در پاسخ فرمودند:

تو را چه می‌شود اگر میان مردم و خدایشان قرار نگیری، آنگاه خداوند هر کس را که خواهد از تاریکی [گمراهی] به سوی نور خارج کند، خواهد کرد.

سپس فرمود:

اما اگر کسی را یافتی که در او احتمال قبول حق زیاد بود، می‌توانی اندکی از مطالب حق را در برابرش قرار دهی [به صورت غیر مستقیم که در صورت لزوم قابل انکار و توجیه باشد].

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 457 ح 26.

گفتم: مرا از کلام خداوند متعال خیر ده که فرماید: {وَمَنْ أَحْبَبَهَا فَكَأَنَّهَا
أَحَبَّ النَّاسَ جَمِيعًا} ⁽¹⁾

فرمود: یعنی اگر انسانی را از خطر مرگ، مثل سوختن در آتش یا غرق
شدن در آب نجات بدهد.

آنگاه سکوت کرده و سپس فرمودند: اما بزرگ‌ترین تأویل این آیه این
است که اگر انسانی را به راه راست دعوت کند و او هم دعوتش را
بپذیرد گویا همه مردم را زنده کرده است. ⁽²⁾

و از فضیله روایت شده که گفت:

به امام صادق × عرض کردم: آیا مردم را به این امر (ولایت اهل
بیت ^ فرا بخوانم؟

فرمود: ای فضیل، اگر خداوند عزّ و جلّ برای بنده‌ای از بندگانش خیر
مقدر کرده باشد، فرشته‌ای را مأمور خواهد کرد تا گردن او را بگیرد و
خواه و ناخواه وی را در این امر داخل کند. ⁽³⁾

و نیز از کلیب بن معاویه صیداوی چنین روایت شده: امام صادق ×
به من فرمود:

از مردم بر حذر باشید، چون اگر خداوند عزّ و جلّ خیر یکی از بندگانش

1. و هر کس دیگری را زنده کند، گویا که همه مردم را زنده کرده است.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 446 - 447 ح 1.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 449 ح 1.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

را بخواهد نکته‌ای را در دل او می‌اندازد و سپس وی را وا می‌گذارد تا خود به دنبال آن نکته رفته و در این راه به جنب و جوش بیفتد.

سپس فرمود:

کاش شما هم وقتی با مردم سخن می‌گویید چنین بگویید: ما به راهی رفته‌ایم که خدا فرمان داده و کسانی را برای خود برگزیده‌ایم که خدا آنها را برگزیده، خداوند متعال محمد [^] را برگزید و ما آل محمد [^] را برگزیدیم.⁽¹⁾

واز ثابت بن ابی سعید نقل شده که گفت: حضرت امام صادق \times به من فرمود:

ای ثابت، با مردم چه کار دارید؟ دست از سر مردم بردارید، و کسی را به اعتقاد خود دعوت نکنید، به خدا سوگند، اگر اهل آسمان و اهل زمین با هم متحد شوند و بخواهند کسی را که خداوند هدایتش کرده گمراه کنند، نمی‌توانند.

دست از مردم بردارید، و کسی از شما نگوید این برادر، پسر عمو و همسایه من است؛ زیرا اگر خداوند عزّ و جلّ خیر بنده‌ای را بخواهد روحش را پاک می‌گرداند، آنگاه هیچ سخن حقی را نمی‌شنود مگر اینکه حقایقش را می‌شناسد و باطلی را نشنود مگر اینکه بطلان آن را باز خواهد شناخت، سپس خداوند متعال کلمه‌ای را در قلب او خواهد انداخت که او را کاملاً به راه حق رهنمون خواهد کرد.⁽²⁾

و نیز از علی بن عقبه از پدرش روایت شده است که: امام صادق \times

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 449 ح 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 450 ح 3.

فرموده است:

امر اعتقاد خود را به خدا واگذار کنید و آن را به مردم واگذار نکنید، چرا که آنچه برای خدا انجام شود از آن خداست و آنچه برای مردم انجام شود به آسمان صعود نخواهد کرد، در باره اعتقادات دینی خود با مردم به بحث و جدل نپردازید که بحث و جدل، دل را بیمار می‌کند.

خداوند متعال به پیامبر خود می‌فرماید: {در حقیقت، تو هر که را دوست داری نمی‌توانی راهنمایی کنی، لیکن خداست که هر که را بخواهد راهنمایی می‌کند} و فرموده: {پس آیا تو مردم را ناگزیر می‌کنی که بگردند؟}.

مردم را به حال خود واگذارید؛ چرا که مردم اعتقادات خود را از دیگر مردمان گرفته‌اند، اما شما اعتقادات خود را از رسول خدا ' و علی × اخذ نموده اید و این دو با هم یکسان نیستند.

من از پدرم که سلام خداوند بر او باد شنیدم که می‌فرمود: اگر خداوند مقدر فرموده باشد که بنده‌ای را در این امر (ولایت اهل بیت ^) داخل گرداند این امر بسیار سریع اتفاق می‌افتد؛ سریع‌تر از بازگشت یک پرنده به آشیانه‌اش.⁽¹⁾

اما در یک موضع گیری دیگر می‌بینیم اهل بیت ^ در صورت مساعد بودن شرایط و وجود زمینه مناسب برای پذیرش مخاطبان، اجازه دعوت مردم به عقاید حق را داده‌اند.

از سلیمان بن خالد چنین نقل شده:

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 450 ح 4.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

به حضرت امام صادق \times عرض کردم: من خویشاوندانی دارم که از من حرف شنوی و اطاعت دارند، آیا می‌توانم آنها را به اعتقاد خود دعوت کنم؟

فرمودند: آری، خداوند متعال در کتاب خود فرموده است:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگ‌ها است حفظ کنید.⁽¹⁾

و از زید بن علی، از پدرانش، روایت شده که پیامبر اکرم ' به مردی که از آن حضرت نصیحت خواست فرمودند:

تو را سفارش می‌کنم که هرگز به خداوند متعال شرک نوری، و پدر و مادرت را نافرمانی نکنی.

تا آنجا که فرمود:

و مردم را به اسلام دعوت کن و یقین بدان که به تعداد کسانی که دعوت تو را اجابت کنند، اجر آزاد کردن بنده‌ای از فرزندان یعقوب خواهی داشت.⁽²⁾

و از ابوبصیر نقل است که گفت:

به حضرت امام باقر \times عرض کردم: آیا می‌توانم مردم را به آنچه در دست دارم (عقاید حقّه) فراخوانم؟

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 449 ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 448 ح 5.

فرمود: نه.

گفتم: اگر کسی از من درخواست کرد که او را هدایت کنم، آیا می‌توانم او را هدایت کنم؟

فرمود: آری، اگر از تو درخواست هدایت کرد هدایتش کن و اگر بیشتر از آن خواست، بیشتر از آن را در اختیارش قرار ده، اما اگر راه انکار پیش گرفت، تو نیز همان رویه را با وی در پیش بگیر.⁽¹⁾

و در سومین موضع گیری می‌بینیم ائمه[^] پس از معین کردن قشر مستعد برای قبول دعوت که همان قشر جوان جامعه باشد، پیروان خود را بر انجام این دعوت تشویق نیز می‌کرده‌اند؛ جوانانی که همواره در جستجوی حقیقت بوده و معمولاً ذهن و جانشان بر روی شناخت حقایق گشوده است.

از اسماعیل بن عبد الخالق نقل است که گفت:

از حضرت امام صادق × شنیدم که به ابوجعفر احوال فرمود: آیا به بصره رفته‌ای؟

عرض کرد: آری.

فرمود: سرعت مردم در ورود به این امر (ولایت اهل بیت[^]) را چگونه دیده‌ای؟

عرض کرد: به خدا سوگند، کسانی که در این امر وارد می‌شوند بسیار کم

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 450 - 451 ح 6.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

بوده، و آنها به ندرت این کار را انجام داده‌اند،

آن حضرت فرمودند: بر تو باد که به جوانان اهمیت ویژه‌ای دهی؛ زیرا آنان در انجام هر کار خیری از دیگران سریع‌تر هستند.⁽¹⁾

روشن است که با مقایسه این سه موضع متفاوت اهل بیت [^] و روایات و موارد مختلف آنها، در خواهیم یافت که اهل بیت [^] برای دعوت مردم به راه حق یک سیاست کلی وضع کرده‌اند که بر اساس سه محور استوار است:

اول: مسئولیت افراد در برابر خانواده و خویشاوندان (دایرة خاص).
دوم: شناخت دقیق از میزان وجود عنصر فکر باز و آزادی اندیشه در مخاطب.
سوم: آماده بودن شرایط سیاسی و امنیتی که دعوت در ظرف آن به انجام می‌رسد.

و با همه این احوال، محورهای امنیتی محافظ جماعت صالحان از خطرات ناشی از شتاب زدگی در دعوت به حق و هدایت را در سایه موازنه‌ای دقیق که فرصت تحقق مصالح کلی و هدایت امت و تقرب به خداوند متعال به واسطه این عمل را از بین نبرد، معتبر می‌دانستند.

[3] تمرکزگرایی در اتخاذ مواضع سیاسی

سومین سیاست کلی امنیتی ائمه [^] تأکید این مطلب بر پیروانشان

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 447 - 448 ح 4.

بود که تنها پس از کسب تکلیف مستقیم از اهل بیت [^] به عنوان مرکز تصمیم‌گیری سیاسی خود، به اتخاذ مواضع سیاسی در برابر دعوت‌های اصلاح طلبانه‌ای که گاه و بیگاه از سوی منادیان یا مدعیان اصلاح طلبی و ایجاد تغییر و تحول در اوضاع سیاسی اجتماعی مطرح می‌شد، بپردازند، مگر اینکه موعود اهل بیت [^] خود به صورت خاص عهده دار امر اصلاح شده باشد.

زیرا بسیاری از این منادیان یا مدعیان اصلاح، کسانی بودند که در پی دست یافتن به حکومت یا رسیدن به اغراض شخصی و مقاصد باطل بودند، مانند داعیان عباسی که مردم را به قیام علیه امویان دعوت می‌نمودند، یا ابتدای حرکت بعضی از انقلابیون حسنی (نوادگان امام حسن مجتبی ^x) مثل محمد، معروف به نفس زکیه و برادرش ابراهیم (معروف به قتیل باخمرًا) پسران عبدالله محض، پسر حسن مثنی، پسر حضرت امام حسن بن علی بن ابی طالب ⁽¹⁾.

چه اینکه بعضی از داعیان در حرکت انقلابی خود از اخلاص نیز برخوردار بودند، اما به دلیل عدم احاطه بر همه شرایط و روابط از

1. می‌توان گفت: قیام محمد و ابراهیم دارای دو مرحله بوده است:

مرحله اول: همان گونه‌ای بود که در متن ذکر کردیم و موضع ائمه [^] نیز در برابر آنان، نهی از مشارکت در فعالیت‌های آنها و انتقاد از کارشان بوده است.

مرحله دوم: مرحله شورش آنان در برابر جور و بیدادی بود که عباسیان در مبارزه با آنها نسبت به خاندان و نزدیکانشان روا می‌داشتند، که بعدها به رویارویی مستقیم آنان با عباسیان و شهادت این دو نفر انجامید، که ائمه اهل بیت [^] در این مرحله با آنها همدردی کرده‌اند.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

درک و تشخیص درست مسائل سیاسی عاجز بوده یا اگر از خاستگاه‌های صحیح هم نشأت گرفته بودند، حرکت‌هایی محدود به صاحبان آن اندیشه‌ها بودند.

مرحوم کلینی در کتاب کافی از مُعَلِّی بن حُنَیْس نقل کرده است که گفت:

در زمان پیدایش حرکت سیاه جامگان⁽¹⁾ و پیش از به قدرت رسیدن بنی عباس نامه‌ای از جانب عبد السلام بن نعیم و سدیر و نامه‌هایی از چند تن دیگر برای حضرت امام صادق × بردم، با این مضمون که ما چنین پیش بینی می‌کنیم که در اثر این تحرکات امر حکومت به شما برسد، نظر شما چیست؟

آن حضرت نامه‌ها را به زمین کوبید و فرمود:

أف بر این سخن، أف بر این سخن، من پیشوای اینها نیستم، آیا نمی‌دانند که پیشوای قائم حتماً سفیانی را می‌کشد؟⁽²⁾

و چنین است روایت صحیح دیگری که کلینی در کافی از عیص بن قاسم آن را چنین نقل می‌کند: از حضرت امام صادق × شنیدم که می‌فرمود:

1. مراد از سیاه جامگان، یاری کنندگان بنی عباس مانند پیروان ابومسلم خراسانی است، البته پیش از به حکومت رسیدن بنی عباس.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 37 - 38 ح 8. منظور امام × این است که امام قائم چنان که آنان پنداشته اند از خاندان ما می‌باشد، اما قیام او باید حتماً پس از کشته شدن سفیانی باشد و این امر هنوز واقع نشده است.

بر شما باد به لزوم تقوای خداوندی که انباز و شریکی ندارد. به فکر خود باشید، به خدا سوگند اگر مردی از شما در گلهٔ گوسفند خود چوپانی داشته باشد؛ اگر ببیند مردی پیدا شده که در امر گوسفند داری از چوپان او خیره‌تر است، چوپان خود را اخراج کرده، مرد داناتر را به جای او خواهد آورد.

به خدا سوگند، اگر کسی از میان شما دارای دو جان می‌بود، با یکی از آن دو جهاد می‌کرد و تجربه می‌اندوخت و با دیگری بر اساس اندوخته‌هایش زندگی می‌کرد، اما هرکدام از شما تنها یک جان دارید که اگر از دست برود، به خدا سوگند که دیگر راه بازگشتی نخواهد بود، پس شما سزاوارترین کسان برای انتخاب بهترین‌ها برای خود هستید.

اگر کسی از جانب ما به سوی شما آمد، با دقت بنگرید که بر اساس چه معیار دست به قیام می‌زنید، نگویید که زید (پسر امام سجاد \times که به شهادت رسید) قیام کرد، چرا که زید دانشمند و با صداقت بود، وی هرگز شما را به سوی خود فرانخواند، بلکه همگان را به طلب رضایت آل محمد \wedge فرا خواند، و اگر پیروز می‌شد به آنچه شما را بدان فرا می‌خواند، وفا می‌کرد. او بر ضد حکومت یکپارچه و استواری قیام کرد تا آن را ساقط کند.

اما آنکه امروز بخواهد قیام کند، مردم را به چه چیز فرا بخواند؟ آیا مردم را به طلب رضایت آل محمد \wedge بخواند؟ که ما آل محمد \wedge موجود هستیم و شهادت می‌دهیم که به این کار راضی نیستیم و چنین شخصی که امروز در حالی که هیچ کس نیز با او نیست ما را نافرمانی می‌کند، چون

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

پرچمها بر افراشته گردد او سزاوارترین کس است که از ما فرمان نبرد. مگر قیام کننده‌ای که اولاد فاطمه ÷ گرداگرد او جمع شوند، به خدا سوگند تنها کسی صاحب شما است که این افراد دور او اجتماع کنند.

اگر این امر در ماه رجب اتفاق بیفتد به نام خدا به پیش روید، و اگر دوست داشتید آن را به ماه شعبان به تأخیر بیندازید، اشکالی ندارد. همچنین اگر دوست داشتید روزه ماه رمضان را نیز در میان اهل و عیال و عشیره خود بگیرید برای شما بهتر است، و مسئله سفیانی برای شما کافی است تا علامت این امر باشد. (1).

همچنین از همین باب است روایتی که شیخ صدوق در کتاب علل الشرایع با سند معتبر از عیص بن قاسم نقل کرده که گفت: از حضرت امام صادق × شنیدم که فرمود:

از خداوند متعال پروا کنید و امور خود را مورد بررسی قرار دهید، زیرا شما سزاوارترین کسان به برنامه ریزی برای امر خود می‌باشید.

اگر یکی از شما دو جان می‌داشت، یکی از آن دو جان را فدا می‌کرد و تجربه می‌اندوخت، ممکن بود که با جان دوم توبه کند، اما این تنها یک جان است و اگر از دست برود دیگر امکان توبه نیز از بین رفته است.

اگر کسی به نزد شما آمد و ادعا کرد از جانب ما آمده و شما را به قیام در راه طلب رضایت ما فراخواند، ما هم اکنون شما را به شهادت می‌گیریم که ما از این اعمال راضی نیستیم، و چنین کسی که در تنهایی

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 35 - 36 ح 1.

مطیع ما نبوده، در روزی که پرچم‌ها برافراشته شود چگونه از ما اطاعت خواهد کرد.⁽¹⁾

بدین ترتیب می‌بینیم به نظر اهل بیت [^] آنچه به موضوع جهاد مسلحانه ارتباط پیدا می‌کند، چه جهاد با ممالک غیر مسلمان با هدف فتح بوده باشد⁽²⁾ یا بر ضد حکومت‌های ستمگر مسلمان صورت پذیرد، باید به ناچار تحت کنترل یک مدیریت مرکزی یعنی تحت نظارت مستقیم خود ائمه [^] باشد؛ چرا که علاوه بر اهمیت و دقت این نوع فعالیت از لحاظ قرار گرفتن انسان در معرض خطرات فردی دینی و دنیوی، به امنیت کلی جماعت صالح نیز ارتباط پیدا کرده و منافع جماعت و حتی اصل وجود آن را در معرض خطر قرار می‌داد:

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 38 ح 10.

2. در حدیث معتبری از امام صادق \times آمده است که: «عبّاد بصری حضرت امام زین العابدین \times را در راه مکه ملاقات کرد و به آن حضرت عرض کرد: ای علی بن الحسین، آیا جهاد و سختی آن را ترك کرده و به حج و راحتی آن روی آورده‌ای؟ در حالی که خداوند عزّ و جلّ فرموده است: {إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...} ; در حقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است؛ همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند... حضرت امام سجاد \times فرمودند: آیه را تا آخر قرائت کن، وی خواند: {التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ...} ; [آن مؤمنان،] همان توبه‌کنندگان، پرستندگان... آنگاه حضرت سجاد فرمودند: هرگاه کسانی را که دارای چنین صفات و ویژگی‌هایی باشند ببینیم، حتماً جهاد در معیت آنها برتر از حج خواهد بود». حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 32 - 33، باب 12 ح 3 و ر.ك: ح 1 و 2 از همین باب.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

در حدیث معتبری از حسین بن خالد روایت شده است که گفت:

به حضرت امام رضا \times عرض کردم: قربانت شوم، حدیثی است که عبدالله بن بکیر آن را از عبید بن زراره نقل کرده است.

آن حضرت فرمودند: کدام حدیث؟

گفتم: وی از عبید بن زراره نقل می‌کند که او حضرت امام صادق \times را در سالی که ابراهیم بن عبدالله بن حسن قیام کرده بود، ملاقات کرده و به آن حضرت عرضه داشته: فدایت شوم، این شخص حرفی برای گفتن آورده و مردم نیز به سوی وی گرایش پیدا کرده‌اند، شما در این رابطه چه دستوری می‌دهید؟

آن حضرت نیز در پاسخ وی فرموده: از خدا بترسید و تا آسمان و زمین در حالت سکون و آرامش هستند، شما هم ساکت و آرام باشید.

حسین بن خالد به امام رضا \times عرض کرد: عبدالله بن بکیر پس از نقل این روایت گفته است: به خدا سوگند اگر عبید بن زراره در نقل این روایت راست گفته باشد، نه قیامی خواهد بود و نه قائمی وجود خواهد داشت.

امام رضا \times فرمودند:

حدیث همان است که عبید نقل کرده، اما تأویل عبدالله بن بکیر صحیح نیست. مراد حضرت صادق \times از آرامش آسمان، تا زمانی است که ندایی به نام صاحب شما از آسمان نیامده باشد، و مراد از سکون زمین تا

زمانی است که سپاه (سفیانی) را در خود فرو نبرده باشد.⁽¹⁾

و از زرّ بن حُبیش نقل است:

حضرت علی × در نهروان خطبه‌ای ایراد فرمود و در میان سخنان ایشان مردی به پا خاست و عرض کرد: ای امیر مؤمنان، برای ما از فتنه‌ها سخن بگو. آن حضرت فرمودند: هنگامی که فتنه به شما رو آورد، امر بر شما مشتبه خواهد شد و سپس به بیان انواع فتنه‌ها پرداخت تا اینکه مردی به پا خاست و گفت: ای امیر مؤمنان، در چنین زمانی چه باید کرد؟
فرمود:

در چنین وقتی، به اهل بیت پیامبر خود بنگرید، هرگاه که آنان سکوت و توقف کردند، شما نیز همین کار را بکنید، و هرگاه شما را به یاری طلبیدند، به یاری آنان بشتابید که اجر و پاداش خواهید یافت، اما هرگز از ایشان پیشی نگیرید که بلا یا بر شما غالب خواهند گردید.

سپس آن حضرت حاصل شدن فرج به واسطه قیام صاحب الامر را ذکر فرمودند.⁽²⁾

اهل بیت [^] در این دسته از روایات از رویدادهایی سخن به میان می‌آوردند که در خارج به وقوع پیوسته و موضع سیاسی فعلی خود را در قبال این مسائل مشخص کرده‌اند. از جمله موضع آنان در قبال ادعای امامت، یا

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 39 - 40 ح 14، در پاورقی.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 41 ح 17.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

ادعای قائم آل محمد بودن، از سوی برخی از این دعوت کنندگان بود - همچنان که مردم در رابطه با محمد بن عبدالله، نفس زکیه همین توهم را داشتند - که موضع ائمه در برابر آن، بیان بطلان این ادعا و اینکه هر گونه همکاری با این نوع دعوت‌ها صحیح نیست و اینکه هر پرچمی با این ادعا بلند شود، طاغوتی است که در برابر خداوند عبادت شده بود.

بدین ترتیب می‌توانیم همه روایاتی را که بر عدم جواز شرکت در هر گونه فعالیت اصلاح طلبانه‌ای قبل از قیام قائم و یا بر وجوب انتظار کشیدن برای قیام قائم و بی‌فایده بودن یا حتی محکوم به شکست بودن هر اقدام دیگری قبل از آن تأکید می‌کند را تفسیر نماییم؛ مثل روایتی که از حضرت امام سجاد \times نقل شده است که فرمود:

به خداوند سوگند، احدی از ما پیش از قیام قائم قیام نخواهد کرد، مگر اینکه مثل او به مانند جوجه پرنده‌ای باشد که پیش از استحکام یافتن بال‌هایش از لانه بیرون پرد و در نتیجه به دست کودکان افتد و باز بچه دست آنان گردد.⁽¹⁾

و از سدیر است که امام صادق \times فرمودند:

ای سدیر، خانه نشینی پیشه کن، چنان که گویا نمدی از نمدهای خانه ات هستی، و مادام که آسمان و زمین در آرامش هستند تو نیز در سکون و آرامش باش، پس هنگامی که شنیدی سفیانی قیام کرده است،

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 36 ح 2.

به سوی ما کوچ کن، حتی اگر با پای پیاده باشد.⁽¹⁾

و از ابوصبیر در حدیث صحیحی از امام صادق × وارد است که فرمود:

هر پرچمی که پیش از قیام قائم برافراشته گردد، صاحب آن پرچم طاغوتی است که به جای خداوند عزّ و جلّ پرستیده می‌شود.⁽²⁾

آنچه مقتضای جمع میان این روایات با روایات دیگری که این مسئله را با همه پیش زمینه‌های آن توضیح داده و بعضی از حرکت‌های انقلابی را از آن میان استثنا می‌نماید، مانند صحیحۀ عیص بن قاسم در بارۀ قیام زید بن علی که قبلاً آن را ذکر کردیم، تنها این توجیه است که مراد از قیام‌هایی که شرکت در آنها مجاز نیست، آن دسته از تحركاتی است که با ادعای امامت یا قائم آل محمد ' بودن از سوی سران آن حرکت‌ها همراه باشد.

تأکید کننده این مطلب، روایت دیگری است که شیخ صدوق آن را در کتاب عیون اخبار الرضا × نقل کرده است.

از ابن عبدون از پدرش نقل شده که گفت:

زمانی که زید بن موسی بن جعفر ایرادر امام رضا × را که در بصره سر به شورش برداشته و خانه‌های بنی عباس را به آتش کشیده بود، دستگیر کرده و به نزد مأمون آوردند، وی گناه او را به برادرش علی بن موسی الرضا ' بخشید و به آن حضرت گفت: ای ابوالحسن، اگر

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 36 ح 3.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 37 ح 6.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

برادرت زید سر به شورش برداشت و کرد آنچه کرد، پیش از او نیز زید بن علی (فرزند امام سجاد ×) دست به چنین عملی زد و کشته شد و اگر جایگاه تو در نزد من نبود، حتماً او را می‌کشتم، چون کاری که او انجام داده کار کوچکی نبوده است. حضرت رضا × در پاسخ او فرمودند:

ای امیر مؤمنان، برادرم زید را با زید بن علی مقایسه نکن، چون زید بن علی از دانشمندان آل محمد بود، او برای رضای خدا خشم گرفت و با دشمنان خدا جنگید تا اینکه در راه خدا کشته شد. پدرم موسی بن جعفر ' از پدرش جعفر بن محمد بن علی [^] شنیده است که می‌فرمود: خداوند عمویم زید را رحمت کند، او مردم را به کسب رضایت آل محمد فراخواند و اگر پیروز می‌شد حتماً به وعده‌ای که داده بود وفا می‌کرد، او در رابطه با قیام خود با من مشورت کرد و من به او گفتم: ای عمو، اگر می‌پسندی که تو کشته شده به دار آویخته در مزبله شهر باشی، اختیار با تو است، و چون از نزد او بیرون رفت، جعفر بن محمد ' گفت: وای بر کسی که طلب یاری او را بشنود و به یاری اش نرود.

مأمون گفت: یا ابوالحسن، آیا او با این کارش، از مصادیق روایاتی نبود که در باره مدعیان به ناحق امامت وارد شده است؟

امام رضا × فرمودند:

زید بن علی هیچ گاه به ناحق ادعای مقامی را نداشت، بلکه او فقط می‌گفت: من شما را به جلب رضایت آل محمد [^] فرا می‌خوانم، اما آنچه در قرآن کریم در رابطه با مدعیان ناحق آمده، در باره کسانی است که با

ادعای اینکه از جانب خداوند به امامت برگزیده شده‌اند، مردم را به غیر دین خدا دعوت کرده، یا آنان را بدون علم، از راه خدا دور و گمراه سازد، اما به خدا سوگند زید بن علی از کسانی بود که مورد خطاب این آیه از قرآن است که: {و در راه خدا چنان که حق جهاد [در راه او] است جهاد کنید، اوست که شما را [برای خود] برگزیده}.⁽¹⁾

این حدیث به صورتی آشکار بر این نکته دلالت دارد که روایات مذمت قیام کنندگان و مدعیان، تنها در خصوص کسانی است که ادعای امامت برای خود داشته باشند.

همچنین است روایاتی که در رابطه با قیام حسین بن علی به وجود آورنده قیام معروف فِجّ، نوه حسن مثلث که او نیز پسر حسن مثلثی، فرزند امام حسن مجتبی × بود رسیده است؛ کسی که طبق نقل ابوالفرج اصفهانی در مقاتل الطالبیین، پیامبر اکرم ' و بعضی از ائمه ^ مانند امام باقر × از جریان شهادت او خبر داده‌اند.

چه اینکه باز طبق نقل ابوالفرج، بیعت او هم با بیان این جمله انجام می‌شد که:

أبایعکم علی کتاب الله و سنة رسوله، و علی أن یطاع الله و لایعصی،
وَأَدْعُوکُم لِلرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ' .

یعنی با شما بیعت می‌کنم بر اساس کتاب خدا و سنت رسول خدا و اینکه خداوند اطاعت شده و نافرمانی نشود و من شما را به کسب خشنودی آل

1. صدوق، عیون اخبار الرضا 2 / 225 - 226 ح 1، و آیه در سوره حج / 78.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

محمد ' فرامی خوانم.

و اینکه قیام او، و نیز یحیی بن عبدالله - طبق ادعای خودشان - پس از مشورت با حضرت امام موسی کاظم × انجام پذیرفته است.

و نیز چنان که ابوالفرج از عده‌ای از راویان خود نقل می‌کند که:

چون سپاهیان، سرهای بریده کشتگان فحّ را که سر حسین بن علی و گروهی از نوادگان امام حسن و امام حسین ' نیز در میان آنها بود، به نزد موسی بن عیسی عباسی آوردند، در باره آن سرها از کسی جز حضرت موسی بن جعفر ' سؤال نکرد، وی به آن حضرت گفت: آیا این سر حسین است؟

آن حضرت در پاسخ فرمودند:

آری، همه از خداییم و به سوی او باز خواهیم گشت، به خدا سوگند که او در حالی از دنیا رفت که مسلمانی بود صالح، اهل روزه داری، امرکننده به معروف و نهی کننده از منکر، در میان خاندان او کسی همپایه وی نبود. موسی بن عیسی هیچ جوابی به آن حضرت نداد.⁽¹⁾

[4] رعایت میزان تحمل افراد

چهارمین سیاست کلی اهل بیت [^] در رابطه با مسائل امنیتی

1. ر.ک مامقانی، تنقیح المقال 1 / 337 شرح حال حسین بن علی بن حسن (صاحب فحّ)، در آنجا بعضی از روایات را در این رابطه ذکر نموده و با تطبیق و مقارنه میان آنها به همین نتیجه ای که ما ذکر کردیم می‌رسد.

جماعت صالحان مراعات میزان تحمل و گنجایش حفظ اسرار و جزئیات عقاید در میان افراد این جماعت صالح است. این سیاست برخاسته از حقیقتی روحی است و آن تقسیم شدن جماعت صالحان به سطوح مختلف از لحاظ تحمل مسئولیت‌ها و فشارها، تعهد نسبت به عهدها و پیمان‌ها، حفظ اسرار، درک صحیح از مضامین اعتقادی و انضباط می‌باشد و از همین رهگذر باید کیفیت تعامل با این اقشار و سطوح نیز مطابق با همین تقسیم بندی باشد.

جماعت صالحان با وجود اینکه همه افراد آن از مؤمنان بوده، در عقیده و تعهدات و ویژگی‌های کلی با هم مشترک و در حقوق و وظایف کلی با هم مساوی هستند، اما در عین حال باید میزان ایمان آنها در کشیدن بار این وظایف و مسئولیت‌ها و ضرورت رعایت احتیاط در تعامل با آنان در مسئولیت‌ها و تکالیف اجتماعی را نیز همواره مد نظر داشت تا بدین وسیله در بار کردن مسئولیت بر افراد به اندازه توانشان، روح عدل و انصاف، قدرت روابط میان افراد جماعت و رشد و پیشرفت آن، همچنین امنیت جماعت صالحان حفظ شود.

اهل بیت ^۸ در بسیاری از روایات، این حقیقت را گوشزد کرده و تأکید کرده‌اند که این همان سیاستی است که باید مورد عمل قرار گیرد.

از جمله این روایات است روایتی که از حضرت امام باقر \times نقل شده است:

روزی در نزد پدرم علی بن الحسین ^۹ سخن از تقیه به میان آوردم، فرمود: اگر ابودر از آنچه در دل سلمان بود خبر می‌داشت او را می‌کشت،

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

این در حالی است که پیامبر میان این دو تن عقد برادری جاری نموده بود، پس در باره سایر مردم چگونه فکر می‌کنی؟⁽¹⁾

در حدیث صحیح دیگری امام باقر × جنبه عقیدتی این حقیقت را در میان اصحاب خود شرح داده است؛ ابوعبیده حذاء از حضرت امام باقر × شنیده که فرمود:

به خدا سوگند، محبوب‌ترین اصحابم در نزد من باتقواترین، فقیه‌ترین و رازدارترین آنها نسبت به احادیث ما می‌باشد، و بدحال‌ترین و منفورترین آنان در نزد من کسی است که چون حدیثی بشنود که به ما نسبت داده شده و از ما روایت شده، اما نتواند آن را درک کند، فوراً از آن ابراز بیزاری کرده، آن را انکار نموده و هر کس را که به مضمون آن حدیث معتقد شود تکفیر کند، در حالی که نمی‌داند شاید این حدیث واقعاً از جانب ما صادر شده و سندش به ما برسد و او با این کار از ولایت ما خارج می‌گردد.⁽²⁾

و در حدیث صحیح دیگری امام × خطر عدم رعایت این سیاست را گوشزد فرموده است. کلینی با سند معتبر از احمد بن محمد بن ابی نصر چنین روایت کرده است:

از حضرت رضا × مسئله‌ای پرسیدم، آن حضرت در بیان پاسخ لختی درنگ کردند، سپس فرمودند:

1. اختیار معرفة الرجال که به رجال کثی نیز معروف است 1 / 70.

2. کلینی، الکافی 2 / 223 ح 7.

اگر هر آنچه مورد نظر شما است در اختیار شما قرار دهیم، برای شما موجب درد سر خواهد شد و دانستن بعضی از مسائل گریبان گیر داندۀ آن خواهد گردید.⁽¹⁾

همچنین در روایاتی که از اهل بیت [^] به دست ما رسیده است بر این مطلب تأکید شده که مؤمنان دارای مراتب و درجات مختلفی بوده و بر اساس این اختلاف مراتب، قدرت و تحمل آنها نیز باهم متفاوت است.

کلینی از سدیر چنین نقل کرده است: حضرت امام ابو جعفر باقر ^x به من فرمود:

همانا مؤمنان دارای مراتبی هستند، بعضی از آنها حائز یک درجه از ایمان، بعضی دو درجه، بعضی سه درجه، بعضی چهار درجه، بعضی پنج درجه، بعضی شش درجه و بعضی از آنها دارای هفت درجه از ایمان می‌باشند.

پس اگر بخواهی بر آن که دارای یک درجه از ایمان است مسئولیت کسی را تحمیل کنی که دارای دو درجه از ایمان است قدرت تحمل آن را نخواهد داشت.

و اگر بخواهی بر آن که دارای دو درجه از ایمان است مسئولیت کسی را تحمیل کنی که دارای سه درجه از ایمان است قدرت تحمل آن را نخواهد داشت.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4.

و اگر بخواهی بر آن که دارای سه درجه از ایمان است مسئولیت کسی را تحمیل کنی که دارای چهار درجه از ایمان است قدرت تحمل آن را نخواهد داشت.

و اگر بخواهی بر آن که دارای چهار درجه از ایمان است مسئولیت کسی را تحمیل کنی که دارای پنج درجه از ایمان است قدرت تحمل آن را نخواهد داشت، و اگر بخواهی بر آنکه دارای پنج درجه از ایمان است مسئولیت کسی را تحمیل کنی که دارای شش درجه از ایمان است قدرت تحمل آن را نخواهد داشت، و اگر بخواهی بر آنکه دارای شش درجه از ایمان است مسئولیت کسی را تحمیل کنی که دارای هفت درجه از ایمان است قدرت تحمل آن را نخواهد داشت، و به همین ترتیب.⁽¹⁾

اهل بیت [^] در روایات، خصوصیات و ویژگی‌هایی را که درجات مؤمنان بدانها شناخته شده و معیار تحمل و قابل اطمینان بودن آنان است بیان کرده‌اند.

شیخ کلینی از عمار بن ابی‌الأحوص از حضرت امام صادق × روایت کرده است که فرمود:

خداوند عزّ و جلّ ایمان را در هفت سهم تقسیم کرد: نیکو کاری، راستگویی، یقین، رضا، وفا، دانش و بردباری. سپس این هفت سهم را در میان مردم تقسیم نمود، هر کس که از هر هفت سهم بهره مند گردید، دارای ایمان کامل است. اما در تقسیم، به بعضی از مردم یک سهم، به

1. کلینی، الکافی 2/ 45 ح 3.

بعضی دو سهم، به بعضی سه سهم تا هفت سهم رسید.

سپس فرمود:

بر کسی که توانایی یک درجه دارد، بار دو درجه را تحمیل نکنید، و بر کسی که توانایی دو درجه دارد، بار سه درجه را تحمیل نکنید که با این کار بیش از ظرفیت آنها بر ایشان تحمیل خواهید کرد.

سپس فرمود: و چنین است تا به مرحله هفتم برسد.⁽¹⁾

و در روایت دیگری امام × از یاران خود می‌خواهد برای بازشناسی مدعیان تشیع از شیعیان واقعی به امتحان و دقت در باره آنها بپردازند.

از حضرت امام صادق × روایت شده است که روزی یکی از اصحاب آن حضرت به محضرش وارد شد و به آن حضرت عرضه داشت:

فدایت شوم، به خدا سوگند که من تو را و هر که تو را دوست بدارد، دوست می‌دارم، آقای من، شیعیان تو چه بسیارند!

امام × به او فرمودند: آنها را نام ببر.

گفت: آنها زیاد هستند.

امام × فرمود: می‌توانی تعداد آنها را بیان کنی؟

عرض کرد: بیش از این حرف‌ها هستند.

امام صادق × فرمودند:

1. کلینی، الکافی 2/ 42 ح 1.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4.

آگاه باش که اگر تعداد شیعیان ما به حد تعیین شده که کمی بیش از سیصد و ده نفر است برسد، آنچه شما در پی آن هستید واقع خواهد شد، اما شیعه [واقعی] ما کسی است که صدایش از گوش وی فراتر نرود و کینه و دشمنی او از درونش پا فراتر نگذارد، او کسی است که گزافه گویان درباره ما را ستایش نکرده، با دوستان ما دشمنی نورزیده، با آنان که از ما عیبجویی کنند همنشینی ننموده، با کسانی که در باره ما بدگویی می کنند هم صحبت نشده، دشمن ما را دوست و دوست ما را دشمن ندارد.

آن مرد گوید: به آن حضرت عرض کردم: پس من با این شیعیان مختلف و پراکنده که همه ادعای تشیع دارند، چه کنم؟

امام فرمودند:

در میان آنها امتحانات و مسائلی پیش خواهد آمد که به خودی خود مدعیان دروغین را از شیعیان حقیقی جدا خواهد کرد و عده ای نیز با این رویدادها دستخوش تبدیل خواهند گشت.⁽¹⁾

در این روایت ملاحظه می کنیم که امام \times بر اهمیت دقت در وضعیت اشخاص از طریق امتحانات درازمدت، که موجب جداسازی، پالایش و تبدیل آنان می شود تأکید فرموده اند.

1. نعمانی، الغیبة / 203 - 204 ح 4 و به نقل از آن: بحار الانوار / 68 / 164 - 165 ح

فهرست

ساختار امنیتی جماعت صالحان

پیش در آمد - 9

[1] شرایط و عوامل سیاسی - 9

[2] اقتضای احکام شرعی - 14

[3] جلوگیری از تخریب - 15

1. خطوط کلی نظام امنیتی - 17

[1] تقیه - 21

(1) ابعاد بحث تقیه - 21

(2) چرا تقیه؟ - 25

1. کناره گیری و عزلت گزیدن از جامعه - 25

2. درگیری و مبارزه - 31

3. مدارا و تقیه - 36

(3) حدود تقیه - 40

[2] کتمان اسرار - 42

تحریک عموم مردم علیه شیعه - 44

راهکارهای بازدارنده - 48

[3] حضور در دستگاه حکومت - 53

پیشینه تاریخی این محور - 62

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 4

[4] پناهندگی و هجرت - 65

شواهد تاریخی هجرت - 67

2. سیاست های کلان امنیتی - 73

[1] همزیستی با مسلمانان - 76

[2] رعایت احتیاط در دعوت به حق - 80

[3] تمرکزگرایی در اتخاذ مواضع سیاسی - 88

[4] رعایت میزان تحمل افراد - 100

فهرست - 107